

پیشتر و پسروار» را برد و از همه بدتر این است که روس اتحاد تازه تری با آلمان «که همین بگسوات در اروپا پائی بود که روسها از او ملاحظه داشتند» کرده است. دو عوض آلمان هم به آن مناسبت همزای و مساعدت مخصوص دیگری را با روسها تعهد و متقبل شده است که حمایت از سسلک «پیشقدمی روس در آسیا نماید» آبا در این حمایت مانی برای دولت آلمان خواهد بود. دولت انگلیس از این اتحاد نه فقط بیستان شده بلکه پیمانك هم خواهد شد. معنیش اینست که خلیج فارس که لرد کرزن در سنه ۱۹۰۳ برای تمدید آن زحمات زیاد متحمل شد ازین بعد منحصر و محدود نخواهد بود یعنی از انحصار و اختصاص اولیه خارج میشود. لرد معزی الیه در بیانات خود چنین میگوید: «موقع ما «انگلیس» در خلیج فارس علاوه بر معاهداتی که کرده ایم مربوط با امور بسیاری است. موقع استقرار نفوذ و بقاء اقتدار و نتیجه زحمات صد ساله گذشته و سرمایه که در انجا صرف نموده ایم مقتضی بنای تجارت مسلمه و باخلو داشتن فرج بحری در خلیج فارس و نیز نگاه داشتن غلبه سیاسی در انجا لازم است. علاوه بر همه اینها چون خلیج زبور یکی از سرحدات بحری هندوستان بشمار است محافظت استقلال امنیت هندوستان میباشد.» معنی معاهده «پوتسدام» باین جرئت این است که تکمیل راه آهن بغداد و امتداد تر بداخله ایران راه آهن کوتاه یا راه مختصری خواهد بود از مشرقی بالمان از این اقدامات واضح میشود که چگونه آن زیاد «یعنی حرس که عمل ادم راه می رود» هنوز هم بکشیدن دایره اطراف هند و بالاخره بکشیدن ریسبان و حرکت دادن فرماندهان منوسل است.» یکی از نتایج نسج پیچیده و در هم ان «انتریک» این شد که روس دولتبرا برای اتحاد با خود انتخاب نمود که انگلیس نتواند جلوگیری از باز شدن راه خلیج فارس نموده و با اینکه در این معامله اقدام بیحکی کند اگر تنها روس بجهت تحصیل بندرگاهی در این خلیج (باین منطقه بحری انگلیس) حمله کرده بود شاید بلجر یعنی میشد ولی نقشه شرکت آلمان به بهانه امتیاز راه آهن ایران انگلیس را بی پشت و پناه گذارده و او را عاخر نمود مگر اینکه انگلیس بتواند در يك زمان با روس و «ایس حطر شیوطانی» (Tutania) یعنی آلمان آماده جنگ شود همین خیال است که عموم انگلستان را ترس حمله و ارتعاش اعصاب مبتلا نموده در این صورت «جان بول» (Gohn Bull) یعنی انگلیس جا دارد که از ناچارى ناله و فریاد کند: که ای زادری شرف !! \*

بواسطه دلچسبی و پسندیدگی عامه فقرات ذیل را از تحریرات دولت هند که بوزیر

هنگ در بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ « پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۱۷ » راجع به سلسله انگلیس در ایران نوشته منتخب کرده و درج می نمایم \*

« تمبله » = بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ خواهشمندم که جنابعالی را مخاطب ساخته و بدو توسط جنابعالی دولت ملکه معظمه را از میزان روابط دولت بریتانیه با ایران ۱۰۰۰ \* فقره پنجم: اغراض اقدامات نظامی بریتانیه اعظم در ایران بواسطه روابط و مناسباتیست که ایران با هندوستان دارد چندی قبل از آنکه حدود و ثغور هندوستان بدرجه حالیه توسعه یابد یا قبل از آنکه دولت روس در آسیای وسطی دولت بزرگه مقتدری شده و بنقاط جدید سرحدی هندوستان نزدیک یا متصل گردد لسمتی از ایران « اگر چه در آنوقت ایران به هندوستان متصل نبود » باعث اشکال بزرگی برای دولت انگلیس در هند شده بود اوایل قرن حالیه « یعنی قرن نوزدهم » در زمانیکه طمع مملکت کندهی خراسه سبب اصلی خوف شده و میخواست بتوسط ایران رخنه یا قندار انگلیس پیدا کند طرح تسخیر هند را ریخته بود این خیال از آنوقت متدرجاً و مکرراً بظهور پیوست اکنون که دولت بریتانیه اعظم حدود افغانستان تا صد مایل با حدود ایران پهلو به پهلو می رود و باین ملاحظه که مملکت ایران تا صد مایل به باوجستان که در تحت محافظت انگلیس و تا درجه وسیعی نظم اموراتش بدست صاحب منصبان دولت هند است متصل می باشد و باین جهت که در یائیکه سواحل جنوبی ایران را می شود در یائی است که هم بسبب تردید بخش بدریای هند و هم بواسطه تبعه کوششهای قرن گذشته اغراض و اثرات هند اهمیت و عظمت حاصل نموده است ظاهر میشود که ایران بملاحظه هند اهمیت نظامی حاصل کرده است این اهمیت در صورتی خطرناک نخواهد بود که فقط تصور منافع آن ملکه را بکنیم لکن بدون شبهه هر گاه بمخاطب می اوریم که ایران و افغانستان متصل می باشند به فشار روز افزون دولتیکه همیشه اغراض در امیای مخالف با اغراض ما بوده مخاطره سخت و بزرگی در پیش خواهد بود و بهمین ملاحظه حاجی قاسم دارد توجه ملل دیگر و باعتبار دیگره ال همجسم و رفیق را جلب میکند \*

آن فاشین و ماهرین جنک در دوستان که اکنون رسماً « یعنی عقیده و پیش بینها شان » مرده اند این پیش بینی و پیش گوئی را کرده و دولت خود را باین درجه متنبه ساخته اند ای کاش در قبرهای خود شان از تعبیراتی که سر او وارد کردی در ماه اوت گذشته بجهنم خلقی تمام از مقام معاهده روس و انگلیس کرده متزلزل نشوند در زمانیکه

مقدمه سرآکش پیش آمده و اولین مرتبه بود که مذاکره استخدام مازور استوکس میان آمده و مطرح مذاکره شده بود وزارت خارجه انگلیس متأسفانه ملتفت شد که نمی تواند در آن واحد بیشتر از يك خیال را بخاطر بگذارد. آن خیال سروش غیبی یا حکم رسمی قطعی لاریبی بود که بموقع اجرا گذارده شد که «از ایران منصرف شوید و او را بحال خود گذارده و قوای خود را بطرف دریای آلمان معطوف و مصروف دارید» روس اهمیت موقع را بزودی ملتفت شده و روزنامه های بیبرسین پترسبرگ به لاف و گراف شروع و آن آله حساسه دیپلماتی سرام و مقصود خود را در لندن بموقع تحصیل نمود \* یکی از نتایج آن مقصود این شد که از این بعد محاکمت حاجزی میان قفقازیه و جنوب غربی هندوستان باقی نماند و دیگر آنکه بعد از این مانع و مخالفی در راه خشکی روس هندوستان باقی نخواهد ماند و همچنین نظارت انگلیس در خلیج فارس در معرض خطر بسیار واقع خواهد شد \*

نتیجه دیگر این شد که هفتاد و دو میلیون مسلمانان هندوستان که همیشه بین دولت هند انگلیس و هندوها بیطرف بوده بواسطه حمله های روس و سایر ملل عیسوی اروپا به سلطنتهای اسلامی سرآکش و طرابلس «عثمانی» و ایران و سکوت انگلیس که موجب رضایش دانسته اند در جوشش صادقانه و وفاداری ایشان نسبت بحکومت هند انگلیس نقصان فاحشی راه یافت یکی از علماء بررگ هند در مراسم که یکی از صاحب منصبان محترم و مأمورین سابق انگلیس در هندوستان نوشته اظهار میدارد که بعد از معامله ایران مسلمانان هند مستعد شده اند که قایمگان خود را در کنگره هند بفرستند و این اقدامی بود که تاکنون انکار از آن نموده بودند ولی امور بلژیکی انگلیس در هندوستان از نتیجه مغلوبیت ایران ابداً شعفی نیافته است (۱) \*

در تمام عالم بشرف دولت انگلیس نقصان زیادی راه یافته و ملت انگلیس علناً اظهار بی اطمینانی می نمایند زیرا که بعد از این دولت انگلیس نمیتواند خود را حامی و طرفدار

(۱) کنگره هند: کانفرنس یا نتیجه می است که سالی یکمرتبه در یکی از شهرهای بررگ و معروف هندوستان که بالنسبه مرکزیت داشته باشد تشکیل می نمود نمایندگانی و «لیدر» های هند یا هزارها بعوس دیگر جمع شده افعال و اقدامات دولت انگلیس که برخلاف مصالح عامه مسلمة نموده تمسید و بمطالعه دولت مشارالیه بپروست می کنند تا اینکه برافقت و ملازمت مجبور شود. - مترجم :

منظماً بنمواند \*

در ترکی « عثمانی » هم نقصان اثرات اقدامات انگلیس ظاهر و واضح شده است و بواسطه اقداماتی که در این اواخر در معامله ایران کرده بمعاملات و تجارتش که عملاً بازار های ایران را تا اصفهان فرا گرفته بود نیز خسارت فاحشی وارد آمد \*

اثرات این خسارات و نقصانات با حصول جنگی دولت انگلیس بیشتر و بدتر خواهد بود اکنون خصم موروثی انگلیس ( یعنی کسیکه خصومت انگلیس از او باور رسیده ) با اطمینان تمام بطرف خلیج فارس پیش میرود و تا چند سال دیگر به آنجا خواهد رسید دولت هند انگلیس برای اثبات ایالت خود در محافظت خطه که جز و منطقه نفوذ انگلیس است موقع و مرمت خواهد داشت همان قسمتی که لرد کچنر ( Lord Kitchener ) تمام قطعات و حدودش را معین کرده بود و میتوان با قوای نظامی هندوستان بمحافظت آن خطه کامیاب و فائق شد محافظت دولت هند جنوب ایران را از جمله قزاقها بسیار صعب و مشکل خواهد بود و شاید برای این کار مجبور بساخلو دانستان حقیقه نیم میلیون ( بانصد هزار ) تثنون انگلیسی در هند باشد بهوض حسن آن که الان موجود است و بصارت دیگر که چندان وقع و اهمیتی « بهطر امور بین المللی » ندارد این است که معاونت و امداد دولت انگلیس از روس برای پیشرفت مقاصد فاجار و غیر قانونیست نسبت بازادی و استقلال ایران کاریست که از حیث اخلاق و اساسیت دور و بکلی خارج از تمدن می باشد دولت انگلیس بکلی ترك کرده است عادات و مسلکهای را که تاریخ باهل عالم نشان داده و همه را او متوقع بودند اگر چه عموم ملت انگلیس از خطایا و بی پروائی های دولت خود شائب بری آلوده میباشند ولی این لکه تا ابد الدهر بتجدد ایشان باقی خواهد ماند \*

شاید خود در ادوارد کری هم اکنون تعترف باشد که در سیاسیات مسلک مخصوصی اختیار کرده که نه بالذات پسندیده و مدوح است و نه از حیث نتیجه اگر فرضاً حالت حالیه آلمان را بسنجیم خواهیم دید که اگر یکسال قبل تسلک در حوف دولت انگلیس از خود داشت اکنون آن تسلک بکلی رفع شده « یعنی شکس مبدل یقین شده است » اگر چه باعث سبب بختی سر ادوارد کری آلمان بوده ولی با وجود اثرات و نتایج خطرناک مسلک مضر دیپلوماسیتش همین خصوصیت هم باعث دوام و استقرار مشارایه شده است \*

آیا ممکن است سؤال شود که دولت انگلیس بیه ندبیر می توانست دست روس را

## احقاق ایران

از ایران کوتاه کرده یا تعدد چون بر بنایه اعظم دولت یورپی است چهارم جنبه او بر خلاف روس چه میثوانند کرد و در کجا میثوانند باو حمله نمایند. مگر وقتی که روس اینجلیج فارس برسد انگلیس نمیتواند مقابله مظهرانه کامیابانه با فستون روس در شمال ایران بکند دولت انگلیس به آن اعتباریکه اکثر دول بزرگ اروپا نظامی می نمایند نظامی نیست تمام فستون انگلیس نمیتواند دفاع با حمله فستون زیادیکه روس میثواند از تقنازیه بفرستد بناید \*

در حال از مانحن فرود دور و معارج فتویم دولت انگلیس با اینکه هنوز هم یکی از دول درجه اول دنیا «چنانچه همین قسم معروف و دولت روس هم چنین پنداشته است» بشمار است در موفقیکه در زویه گذشته آشکار شد که روس بواسطه مداحیه در آزادی ایران که «انگلیس و روس هر دو منفقا و معردا تعهد احترام آفرانموده اند» عاونا نقض عهد و مخالفت آشکار با معاهده ذات البین میکند حق این و تکلیف درسی انگلیس این بود که بر خلاف آن اقدامات اعتراض در وقت کرده و روس را متنبه نماید که معنی حقیقی آن اقدامات واضح معاهده انگلیس و روس شناخته میشود نتیجه آن اعتراض این میشد که الا وفاداری انگلیس را نسبت با ایران بقام اهل عالم ثابت و برقرار میداشت و شاید هم مانع از پیشروی بیشتر از این روس میشد مانی که بخوتی خود و طیب خاطر معاهده را امضاء میکند لازم است که احترام آن معاهده را رعایت نماید و در صورت ضرورت و لزوم یا هر دو اینکه تا در صد مخالفت و نقض آن عهد می باشد مخالفت و دفاع نماید انصاف و مصلحت وقت در این بود که دولت انگلیس فی الحقیقه اظهار شرف و احساسات ملی خود را نموده باشد سر ادوار گری برای رفع مسئولیت صریح و ساده خود در معامله استوکس و چندی به در نصیه تنوع للسلطه علیا اعمال و اقدامات روس را داده کرده و عقیده خود را اظهار نمود که بشاهشاهی و استقلال ایران هیچ نقضی نرسیده است چندی بعد مسلك عجیب تری اختیار کرد که انگلستان آزادی و استقلال ایران را صامت نموده است بهر حال مناسبت مصحون مسلم ذیل را که یکی از اهالی با اطلاع انکاستان که از مسائل و سیاست «آسیا» اطلاع کامل دارد «یعنی لرد کوزن» (Lord Curzon) در بیست و نهم مارچ ۱۹۱۱ (پنجم ربیع الاول ۱۳۲۹) در مجلس انجمن در مباحثه جامعه ایران اظهار داشت شرح تمام - در یقین داریم که استقلال و آزادی ایران که دولت عالیذرت بر مدهده معاهده ۱۹۰۱ انگلیس

و روس شایسته کرده است. بیچ سالی محکم و ثابته خبر از دولت اعلیحضرت نخر آمدند. \*  
 لرد مارلی ( Lord Morley ) نایبده حزب « لیبرال » در آنها حاضر بوده و بیچ  
 ایراد و اعتراضی بصحت بیان مشارالیه نکرد. احتضار و تعییراتی که سرادواره کری در  
 تابستان گذشته از افعال و اقدامات روس نموده بحدی محظیف و بی معنی بود که باعث  
 خجالت و شرمندگی ملت انگلیس گردیده و پروس و تمام اهل عالم ظاهر و بدلیل گشت که  
 حکومت « لیبرال » تا چه درجه از آلمان خائف می باشد انفسلك عیبهی که دولت  
 انگلیس اختیار نموده سبب می شود که بهوان مشوال ذیل را نمود که مثلیکه تا چند روز  
 قبل ادعای حکمت مسلمه در اکثر امور سیاسی « آسیا » و « اروپا » مینمود ایا بواسطه  
 جه امری تغییر ظنی در عقیده و وضع سلوکش راه یافت ؟ ایا میتولن گفت جهازات و  
 سرپازهای جلالت بوی انگلیس قدرت و دل خود را باخته اند ؟ ایا نواقص مشون  
 انگلیس بعد از فاش شدن اسرار هولناك جنگ « افریقا » ی جهونی ثاباً اصلاح و حقیقه  
 منظم شده \* \*

سکوزهم در بسیاری از نقاط طاعونی کرده عرفی « مکروپ » و نخبه های انحطاط  
 زمانه وسطی و نور نارد و طریقه حکومت حالیه است که آنها را در راه کمه خودشان  
 معدوم سازد و بر انگلستان لازم است که حقوق انسانیت و تمدن عالم را رعایت نموده  
 و فرائض ذمه خود را ادا کند \*

بدلائل فوق ظاهر و ثابت میشود که علت آن مال بدبختانه ایران به از جهت  
 استقلال و آزادیش بوده و نه نتیجه اقدام باسرا با مناسبتی یا ترك امر لازمی تاریخ عالم  
 علت اصلی انعدام آزادی ایران را در سنه ۱۹۱۱ در « بوتسدام » ثبت و ضبط نموده  
 است. روس هم در صورتیکه از حمایت آلمان مطلع و مطمئن بود میتواندست قدری صبر  
 نموده و آهسته تر پیشرفته منتظر موقع و وقت مناسبی باشد معاهده انگلیس و روس تا  
 جائیکه تعلق بشکالیف و وظائف روس داشت معنی و حقیقه باطل شده و لاشه سند  
 کومه بیکاری گردید روس مصمم بود که سلك و مقاصد خود را که گوارا اظهار نموده  
 یعنی نظارت و مرامنامهیش را در ایران و در « آذربایجان » که سواحل ایران را می شوید «  
 بوقع جزا گذارد فقط منتظر موقع مناسب بود که اقدامات عملی و جدی خود را بکار  
 برد کشتی که در رویه گذشته راجع به اماله مراکش در اروپا واقع شد او را  
 برستی داد که اقدامات و مقاصد ( در بریه ) خود را بوقع اجرا گذارد دولت روس کاهل

نمودند که از آن انقلابیات فایده نگیرد. از این رو سرادوار دگری مضطرب شده و حتی الظاهره دفعه همه چیز را فراموش کرد. مگر چیزی که بخاطر داشت فقط «دریت نات» های امپراتور الملق بود. چون روس از حقیقت امر (یعنی خوف انگلیس از آلمان) مطلع شد بازی «ورق» را بر کردانید و نایبی که بعد از آن بین روس و ایران پیش آمد و مشیر پهلوی دولت مشروطه در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۱۱ «دوم محرم ۱۳۳۰» شد فقط بیانیه بود که خود روس خلق و ایجاد کرده بود و شاید هم حکمت جعل آن بهانه ها برای «رفع خجالت سرادوار دگری از عموم اهالی انگلستان بود» \*

روس اکنون (یعنی از سی ام اوتیل ۱۹۱۱ سلخ ربیع الاخر ۱۳۲۹) در ایران دولت و حکمران مقتدر و متنفذی است. امروز ایران بقره بک اماورق است. بهر دریجه و حسی که با اهل ایران سلوک کرده شود. در به تعرض و وسیله پرستی نیست. پدم روزانه حبس و خلق آویز و شکنجه شدن قوم است که روس بوسیله آن در ایران حکومت میکند. از حوادثی که بمکتب کسری دوچار و مصاف شد. سکوت و بهت غم افزائی رضداد و وجود مستشاران و مستخدمین مایه امر بکائی در طهران قضیه نصادفی و اتفاقی بوده. خرس قسمت دیگر حلوی اینها را ببلید \*

در اوقات مختلفه سرادوار دگری تصور و الزامات جنیدی بن نسبت داد. مثل عدم حسن انتظام و تدبیر حکومتش در تبدیل استفاده ایرانی به «انگلیسی» عدم تمکین از شناختن (استعمال لفظ) دوایر نفوذ روس و انگلیس \*

اگرچه مضامین مراسلات غیر رسمی که فی مابین من و وزیر مختار های روس و انگلیس در باره قضیه اسلوکس و استقراض چهار میلیون لیره و تادیه قیمت اسلحه که روس بایران فروخته بود و مواجب و حقوق بریکاد نفاق رد و بدل شده. مابلی بافشاء آن نبودم ولی بهترین جوابها از ایراد اولی همین فقره است «در صمیمه به ردیف (د) رجوع شود» \*

جواب فقره دوم مبنی است بذکر تفصیل ذیل. در از منته مفتله سه نفر از رعایای دولت انگلیس را دو خزانده دولت ایران در طهران و اصفهان و شیراز مستخدم گردانیده بودم. این نکته مسلم است که من در مدد جلب و تحصیل مستخدمینی بودم که از طرق محاسبه جدید و از زبان و رسوم ایران مسیور و مطلع باشند. سه نفر از اتباع انگلیس را پیدا کردم که میتوانستم ایشانرا برای «مخدومی خزانده قبول تمام و بهین ملاحظه دو نفر

بلجیکی را هم مستخدم نمودم اگر از رعایای روس هم کسانی که دارای صفات و اطلاعات لازمه بوده پیش می آمدند آنها را هم بخوبی نوز قبول میکردم، اتهام بی‌وفایی بر او وارد کردی که فقط برای مراعات نکات بلجیکی بود. مهاجیران کرد که بلا حظه صرفه و صلاح وقت و غیره ایران آن دوره نگر رعایای انگلیس را با انضمام مسوولان که از خدمت خزانه ایران مفصل نموده و فقط مستر جارجینو (M. Georgenew) را که بر حسب معاهده مصوبه مجلس مستخدم شده بود. باقی نگذاردم \*

نفره سوم هم از همه مهمل تر و ناجایز و بیجا تر میباشد. دولت ایران بعد از اعلان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس بدولتین اطلاع داد که معاهده منبوره را به هیچ سحنی نخواهد شناخت و خود را پای بند آن نیداند. مجلس از ابتدا اصرار داشت که نباید کاری بکنم که صراحتاً یا کفایتاً «منطقهای» نفوذ را بقسمی که مشهور است در باره ایران بشناسم \*

من هم از همان ابتداء تعهد نموده بودم که این امر را تسلیم نکنم ارتکاب همیواسری (قبول نمودن استعمال لفظ منطقهای نبود) نقض عهد با دولتی میشد که مرا مستخدم نموده و خیانت و بی‌وفائی بود نسبت باطمینانی که بمن اظهار کرده بودند. سبب اصلی خصومت و مخالفت روس در پیشرفت مشاغل من همین انکار از آن کار بود در صورتیکه در ترضیب بلجیکیها به آن امر کامیاب شده بود \*

با وجود همه آن مخالفتها بطریق ممکنه کوشش میکردم که احترام جمیع حقوق حقه و منافع جایز اتباع اجانب را در ایران رعایت نمایم سعی نمودم که از آند و سفارت تحقیق کرده و بدانم که «فوائد و اغراض مخصوصه ایشان» در ایران که خودشان خیال میکردند چه می باشد یعنی معنی عبارت معاهده انگلیس و روس را چه قسم استنباط کرده و فهمیده اند \*

چنانچه آن مضمون نگار نکته چین و افاد معروف بلجیکی یعنی دکتر و پلستون (Doctor Wilson) عبارت لطیفی در یکی از «ارایککل» ها بخود درباره معاهده «پوتسدام» مضمون ذیل را می نویسد :-

اگر کسی بخواده عقیده اش نسبت بحکومتهای اجنبیه ثابت و برقرار بماند باید همیشه درباره ایشان بدگان باشد زیرا که زبان سیاسی که آنها استعمال میکنند برای این ایجاد شده که خیالات مستعینان را کشف نماید و هیچ گاهی هم در فهمیدن معانی عبارات



آن یا کک نخواهد نمود \*

گویا این تأویل \* پسندید که سرآورد کرمی بر حسب خواهش روس در تاستان:

۱۹۶۱ از عبارت بسیار ساده و مواد واضح معاهده انگلیس و روس نشو

خاطر آن چیز تریس منظور کرده بود \*

و اما حصه راجعه بخودم: در موقی که معاهده مزبوره بین انگلیس و روس مرتب و مضاء شده بود من هیچ يك از وسائل ممکنه را ترك و فرو گذار نکردم که حقیقت « معنی و مقصود ایشان را بفهمم که چه بوده است » \*

در نطقی که در ریاست ونهم ژانویه ۱۹۱۲ ( هشتم صفر ۱۳۳ ) در تحت حمایت « کمیته » ( انجمن ) ایرانیان در لندن نمودم فقرات ذیل را بیان کردم :- اگر چه در این موقع قصد نداشتم که در این موضوع بحث و گفتگو نمایم لکن برای دفاع از اتهام بصورتیکه نسبت من داده شده میگویم اهم از اینکه نتایجی مزبوره بجای یا صرف اتهام بوده و یا اینکه در مباحثات راجعه بایران من بحق یا باطل بوده ام از همه اینها گذشته این معلوم است که از آن زیرکی مخصوصیکه ملاحظت بشوم که مقصود از عبارات آن معاهده بر خلاف معانی است که از آنها استنباط میشود من عاری بوده و نپیدا نستم که معاهدات دیپلماتی بعضی اوقات دستور العملهای سرری ( مفتاح رمز ) دارد که باید بدان وسیله کشف و معلوم شود پس اگر این فرض صحیح باشد باید در این معامله به تعللی خود اعتراف کنم دولتی که توقع داشتند که از معاهدات مؤثقه آنان معانی استنباط کنم که از عبارات مستعمله آن مستفاد نمیشد پس بر آنها لازم بود که از رموز معهوده بین خود شنیدن و از طرز تعبیراتی که کرده اند سرها مطلع نمایند ولی چنین نکردند پس از زمان کمی مابین من و وزیر مختاران انگلیس و روس طرح دوستی واقع شد و بملاحظه اینکه مردمان باشرف و وجدان و دارای خیالات عالیه عدالت خواهی بودند رعایت احترام ایشان را بمنمودم در این معامله چیزی بیش ازین نمیتوانم بگویم که از زبان ورود بایران تا وقتی که از اینجا خارج شدم يك کلمه نامناسب یا مباحثه نامطوبی بین من و ایشان واقع نشده و هیچگاه مخالفت سخنی هم بینمان نیامده خبر ازین هیچ امری بین ما واقع نشد ایشان در طهران و وزراء مختار بودند در مباحثه با وزیر مختارها و اخذ نتیجه اگر اقدام با امری خارج از مال اندیشی کرده بودم باید خود را مقصر بدانم و اگر در پیش آمد اموری که در آلمان در ایران شده و یا واقع شدنی بود از طرف من بی

آنجا که مرزها بود تمام اهل عالم با افتلا اتیاع همان دولتی که در آن پیش آمدها شریک بودند مطام شده و در اینصورت هم خود را مقصر بدانیم پس از آنکه با نمایندگان منتخبه ایران مشورت نمودم که کشته شدن خود را در معبر تنگ تاریکی بر وقوع آن امر در ملاه عام ترجیح میدهند و ایشان هم شکی ثانی را پسندیده و اختیار نمودند کردم آنچه را که کردم \*

آن روز نامه مشهور که زبان و آله معروف اجزاء مقاصد وزارت خارجه انگلیس است یعنی نس لندن در لوائح متعدده از من تنقید نمود مخصوصاً در یکی لوائح لوائح که در روز بعد از آن نطق درج کرده و نوشته بود که من متوقع بوده ام تدابیر بکه برای نظم و ترتیب مالیه ایران وضع و اجرا داشته بودم انگلیس و روس بطور یقین و اطمنان قبول کرده و به بیزیند « بدون ملاحظه صریح و رعایت فوائد خود » \*

معنی ساده این تنقید اینست که در تدابیر و قانون مالیه که وضع نموده و اجراء داشته بودم چیزی بوده که ضرری بتفاح انگلیس یا باغراض روس در ایران داشته و یا خواهد داشت یکی در روز بعد از آن روز نامه نامی توانستم حواش تمام که توضیح دهد که کدام یکی از تدابیر مالیه که تقدیم نموده بودم بکدام صریح و اغراض انگلیس و روس ضرر رسانیده و یا خواهد رسانید تا عموم مردم از روی تحقیق بدانند ولی تاکنون هیچیک از آن اغراض را معین نکرده است از سکوت نس یکی از دو شکی را میتوان تصور نمود: یکی آنکه هیچ اغراض و منافی در بین نبوده که از قانون و تدابیر من متضرر شده باشد دیگر آنکه اگر بالفرض اغراضیم در بین بوده از آن قبیل است که انشایش ممکن نیست حقیقت واقع اینست که هیچ عبارت یا کلمه در قانون سیزدهم ترون ۱۹۱۱ مالیه ایران نیوده که ضرر و نقصانی باغراض چنانچه حقه هیچ یک از دول اجنبیه رسانیده و یا رساند بلکه بالعکس از وضع و اجراء آن قانون بدون شبهه فوائد و اغراض حقه دولتین انگلیس و روس یا دولت خارجه دیگر که با سلطنت ایران رابطه داشته محفوظ شده و بصرفه و صلاح حال آنان منوط و مربوط بود \*

بهر حال روز نامه مربوط فقط بر تو و امه کاس خیالات مدیر آنست چنانچه اثبات اینست از جمله مندرجه ذیل که از « آرتیکل » های آن روز نامه است بخوبی ثابت و واضح میشود :- « این امر هرگز بخاطر او ( یعنی من ) خطوط نکودنا و قتی که منتفت شد که نظارت دایمخواه منتفیش در امور مالیه شاید ناپسند و غیر مطلوب دولی باشد که در

ایران اغراض مخصوصه دارند. مکرر این مسئله در پیش چشم من مجسم شده از بنظر من جلوه نمود که آیا این اغراض مخصوصه که مکرر ذکر شده و هرگز متخلف نخواهد شد کدام است و اندر غیر از عبارت معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس هر کجا توجیح شده است. این (ابهام و عدم وضوح و سکوت نسبی) ما را به نکته اصلی که محل بحث میباشد موصل است و آن این است که آیا حقیقه مفاد قانونیکه از طرف من جبراً شده بود و یا شرایط و جزئیاتش با معاهده مزبور منافی داشته و یا باصلاح طبقه مخصوصی از دیپلماتها منشاء اصلی عهدنامه را نقض کرده است؟ و اگر هم مسلم بدانیم که هیچ مقاصد و اغراضی از معنی صریح و عبادت ساده آن عهد نامه مستنبط میشود پس دولت ایران و یا هر يك از صاحب منصبان و مامورینش چه بومی و چه بیگانه بهدایت کدام روشنائی میتوانند آنرا استنباط نمایند ولی تا حدیکه خودم میتوانم تصور تمام همین قدر میتوانم بگویم که پس از چندین سرنه که آن عهد نامه را با احتیاط و دقت تمام خوانده و کتابهای آبی عصر حاضر آن زمان وزارت خارجه را راجع باین بحث مطالعه نمودم فقط يك مأخذ اطلاعی راجع بمعنی حقیقی آن عهد نامه بدست آوردم که برای آتیه مات ایران خیلی اهمیت دارد و آن سواد سراسله است که بر وفسر برون در صفحه ۱۹۰ کتاب با تنکوه خود که در شرح وقایع «رولسیون» ایران از سنه ۱۹۰۵ تا سنه ۱۹۰۹ نوشته درج است سواد مزبور سواد سراسله است که سر سی سیل امبرینک رئیس وزیر سفارت انگلیس متیم طهران ششم سپتامبر ۱۹۰۷ (پست و ششم رجب ۱۳۲۵) بوزارت خارجه ایران نوشته بود \*

تا درجه که من فهمیدم این سراسله سراسله بسیار مهم و معظم و مطلوبی است که در آن زمان نوشته شده و تا اکنون هم بیگانه توجیح رسمی مشروعی از غرض و مقصد اصلی معاهده انگلیس و روس میباشد (ترجمه سراسله مزبوره در مقدمه گذشت) چون انراسله در کتاب معتبری مثل کتاب بر وفسر برون درج شده عموم مردم آنرا محل اعتماد دانسته و شاید هم فرض نکنند که مقصود حقیقی دولتین از انعقاد آن معاهده راجعه بایران که چند روز قبل از آن امضاء شده بود همان «اغراضی» است که از ظاهر آن مستفاد میشود ولی چیزی که صحیح است این است که سواد آنرا سواد و در کتاب آبی وزارت خارجه انگلیس نیانم و چیزی که محل شبهه و تردید است این است که پس از آنکه سراسله سر سی سیل امبرینک رئیس وادفات و احتیاط تمام ملاحظه نمودم حقیقه تا حد

و مدعی بن اطمینان و ابقان داد که افراض حقیقی اند و دولت در ایران همان مفاد نیست  
که طبعاً و بالضرورت عبارات خود آن معاهده ظاهر میشود نه افراض بعیده غیر مکتوبه  
(نیش خولی) دیگر \*

در ژانویه ۱۹۱۱ یعنی قبل از آنکه از ممالک متعدد امریکا بایران مسافرت نمایم همین  
قدر بطرحه' لیالت خود توانستم بواسطه آن توضیح مفصل رسانه از مقصد و غرض اصلی  
عهد نامه ۱۹۰۷ انگلیس و روس و متعاهدین مشهور آن اطلاع حاصل نمایم با وجود  
سی و کوششهاییکه بابت وقاب صاف خود نمودم که از کلیه اوضاع بلژیکی ایران مطلع  
شوم چندین مرتبه مراسمم و مقصود خود را که بواسطه خطای در عجله خود را در  
چاره موقع نازک و مشکلات گردانیده سعی نکردم که گاهی اهمیت موقع را بشناسم و یا  
اینکه از مقصد اصلی معاهده انگلیس و روس مطلع نبوده و عمداً تبادل نموده ام باری  
باین گونه و از این قبیل بیانات بسیار در مجلس عمومی انگلستان بن نسبت داده بودند \*

با وجود همه این اعتراضات چهار دهم دسامبر ۱۹۱۱ (بیست و دوم دیکمبر ۱۳۲۹)  
وزیر خارجه انگلستان در جواب سئوالیکه یکی از وکلای پارلمنت نموده بود اظهار داشت  
که از مراسله مذکوره که سر سیدسل اسپرنک رئیس بدولت ایران نوشته بکلی بی اطلاع  
بوده و ابتدا ندیده است؛ در صورتیکه چند دقیقه پیش همان وکیل قسمتی از عبارت  
آن را خوانده بود روز بعد یکی از وکلای «پارلمنت» مکتوبی بوزیر خارجه فرستاد  
بانضمام بکلمه عکس اصل آن مراسله که سر سیدسل اسپرنک رئیس بقاری نوشته و در  
پنجم سبتمبر ۱۹۰۷ (بیست و نهم رجب ۱۳۲۵) بوزارت خارجه ایران فرستاده بود  
وزارت خارجه تقریباً بدین مضمون جواب داد که وزارت خارجه انگلیس ابتدا از این  
مراسله اطلاع نداشته و ندارد شش هفته بعد از آن تاریخ یعنی اول فوریه ۱۹۱۲  
(یازدهم صفر ۱۳۳۰) همان وزارت خارجه بهمان وکیل نوشته و اظهار داشت که مضمون  
انگلیسی مراسله سر سیدسل اسپرنک رئیس اکنون بوزارت خارجه رسیده و ترجمه آن را  
که بروفسر برونت بانگلیسی نوشته و در کتابش درج است بکلی صحیح و مطابق با  
اصل میباشد (۱) \*

و تنبیه که اعضاء وزارت خارجه انگلیس مشغول بنتریب امام من بودند که از مقصد اصلی

(۱) نظیر این بیروانی و بی احتیاطی آتکار با غفلت محمدی رساله وزارت خارجه

انگلیس در معامله استوکس هم واقع شد \*

معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس بی خبری باشم از چند ماه قبلش از خیال آن اظهار رضایت مهم دولتین انگلیس و روس که وزیر مختار دولت انگلیس مشغول بترتیب مقدماتش بود مسبقی و مطلع بودم در موقعی که صاحب منصبان وزارت خارجه انگلیس مرا به بی طبعی و غفلت منعم نموده بودند در همانوقت خودشان از وجود همچو مراسله معتبر بیکه حال بنظرشان رسیده غافل بودند. اعضاء اداره دولتی که در امور مهم و سیاسیات دقیق خود بشین قسم سهو و خطا نسبت بفقود رو یا دانسته و باین نمونه اقدام باور معظم نمایند آیا ممکنست که بهمیندرجه از حقیقت و قاطعیت که در زمان اشتغال من بنظم و ترتیب امور مالیه ایران اتفاق افتاد بی اطلاع باشند. حقیقتاً این اداره دولت انگلیس در مساعدت و اتفاق نوری با خواهشهای دولتروس در عزل و انفصال من از شغل خزانه داری کلی هیچ نکته را پس و پیش نهموده و از خود تصرفی نکرد \*

انگلیس و روس راضی نموده و قاطعاً هم راضی نمیدانند که مقصد و اغراض مناسبه خود را در ایران معین نمایند. آیا آن اغراض چه میباشد که یا بشان حق و اجازه داده است که نظم دولت ایران یا یکی از ماورایش را در امور داخلی حقیقی منکشفات تصویب و یا بقوه جبری از اسری که مخالف با خیالاتشان باشد منع نمایند. هرگز ممکن نخواهد بود که اینگونه تصرفات و مداخلات را بغیر از حکومت و فرقه‌آفرینی ایشان یا ادارت فرض کردن سلطنت ایران بویزد بکراخبر و حمل نمود. و الا این اقدامات چگونه با مقدمه عهد نامه انگلیس و روس با توضیح رسمیکه سرسیسل اسونک رئیس از آنمهد نامه نموده است موافقت خواهد داشت \*

در بیان اقدامات وطن پرستانه ماورین دولت انگلیس راجع باور جدید ایران همین قدر کافی است که هیچ خیالی واضح تر و بیشتر از چند آرتیکل روزنامه « نیشن » ( Nation ) ملی دیده نشد. این روزنامه اگر چه تمام عظمت و اعتبار نیدر رسمی نفس را دارا نیست ولی بملاحظه اینکه روزنامه « لیرال » است از حیث عبارت دارای مقام رفیعی است ( دو فقره از آن آرتیکل ها در ضمیمه ردیف حرف ( و ) مندرج است ) \*



— ﴿﴾ بَابِ يَازَدَهَم ﴿﴾ —

طریقه وصول مالیات در ایران تخته خود برای اصلاح و تنظیم امور مالییه ترقیات  
ممکنه و تشکیل راه آهن ثروت طبیعی و متبع اصلی ثروت \*  
اصروضه طریقه وصول مالیات در ایران بهمان سبک و وقیره از متع سابقه انجیلی میباشد  
اصل ماخذ و بنیاد مالیات اراضی منزه و عی عشر حاصل آن میباشد تمام مالیات نقدی  
نیست بلکه قسمت عمده آن جنسی است یعنی دولت در عوض عشر مالیاتی خود از  
رعایا و ملاکین اجناس را از قبیل گندم و چغندر کاه و پنبه و برنج و سایر محصولات زراعی  
قبول میکند از این طریقه مندرسه انتکال بزرگی در ضبط محاسبات مالیات بلوکات و  
قصبات و دهات تولید گردیده و دولت بکلی از ماخذ کل صحیح مالیات هر محل که در  
عرض سال چه باید وصول شود / بی اطلاع صرف میشود علاوه بر این وقتیکه ثوات  
مالیات جنسی محلی را بتوسط صد ها پیشکاران مالیه و محصلین دیوانی وصول نمود رسم  
است که باید خود دولت و سائل حمل و نقل آن اجناس را به ایابهای مراکز مخصوصه  
فراهم بیاورد و بعد از آنکه آن اجناس را ذخیره نمود تبدیل بنقد کرده (یعنی میفروشد)  
و یا بصرف تقاریج جنسی دولتی میرساند \*

در ایران هیچگاه دفتر محاسبات مالیاتی وجود نداشت که بشود اطلاع کاملی ولو غیر  
صحیح هم باشد از ماخذ کل عایدات داخلی حاصل نموده و دولت بتواند بر آن اعتماد نماید  
ایران برای سهولت وصول مالیات پهنه یا هیدده ولایت و ایالت منقسم است و در هر  
یکی از آن حصص شهر یا قصبه بر رگبست که مرکز حکومتی آن ولایت بشمار است مثلا  
ایالت آذربایجان که خطه بسیار معظم و زرخیزترین قطعات آن مملکت است معروف  
بود که مالیات نقدی و جنسی سالانه آن صفا که بحکومت مرکزی یعنی اداره مالیه  
طهران می برداره موازی یک میلیون تومان که معادل پانصد هزار « دالر » است میباشد  
در زمان استخدام در ایران در آن ایالت یعنی در شهر تبریز که مقر حکومت ایالت سنبلور  
و دوم شهر معظم مملکت بشمار است یک نفر پیشکار مالیه بود آن ایالت بشصت و قطعات  
کوچکی منقسم میشود که در هر یک از آنها یک نایب پیشکار (مامور مالیه جنیه) میباشد

و هر یکی از آن قطعات هم نسبت بوسعتش بقسمتهای کوچکتر منقسم و در هر یک مأمور مالیه میباشد مالیات آن حصص و قطعات کوچک صنف سوم بتوسط کدخدایان محلی آن قصبات و دهات وصول میشود مثلاً و نظیره پیشکار یا ونیس مالیه تبریز منحصر باین بود که همه ساله مبلغ معینی نقد و مقدار شخصی جنس از فیصل گندم و جو و گاه و سایر اجناس مالیاتی جمع کرده و بطور امانت برای ریاست مالیه طهران نگاهدارد ریاست مرکزی از مأخذ و محلهای آنکه باید مالیات وصول شود اطلاع کاملی نداشته بجز تصور موهوبیکه در اذهان مستوفیان یعنی محاسبین دولتی طهران بود ایشان مسبوق بودند که مثلاً چه مبلغ از کدام حصه از فلان ایالت باید وصول شود روابط رئیس مرکزی در طهران با مالیات دهندگان آذربایجان بتوسط همین پیشکار مالیه تبریز بود و پیشکار میدانست که از مأمور مالیه هر قسمتی چه قدر نقد و جنس باید وصول شود ولی خود آن پیشکار هم از مأخذ و محلهای مأمورین جزه مالیات وصول میکردند اطلاع کاملی تصدیقی نداشت مثلاً پیشکار مالیه تبریز دفتری برای خود داشت که آن را گنجینه یا دستور العمل می نامیدند و هر مأمور جرتی هم تا وقتی که مأمور بود کتابچه مخصوصی واجع بیزان مالیات ابواب جمعی خود داشت از کتابچهها بوضع مخصوص ایران بر ملازمتی کاغذ کوچک و بدون حلقه نوشته شده بود که بسپورت آنها را میتوان در جیب حمل نمود این کتابچه (فرد) ها را بشکل مخصوصی نوشته که مشکلی بلکه محال بود که هر ایرانی هم آن را بداند \*

از اسلام و از منتهی سالفه مردمانی در ایران میدانند که آنها را مستوفی میخوانند و منتهی و متعل اکثر آنها رفتی است که از پدر به پسر رسیده است آنها از وضع این کتابچهها مسبوق و از طریق دیگر بدیده و درمی که مالیات هر محل بوسیله آن حساب یا وصول میشود مطلع بودند هر یکی از پیشکاران یا مأمورین جزه کتابچههای مالیاتی نقاط ابواب جمعی خود نشان را ملک خلق خود میدانست نه متعلق بدولت اگر کسی میخواست از تفصیل این کتابچهها مسبوق شود یا بداند که مالیات هر محل حاضر وصول شده و حاکمان را برای خود ذخیره و پس نهاد نموده اند مستوفیان مزبور متغیر و غصبناک میشدند و قتیکه و نود طهران ششم در وزارت مالیه متجه بدیم موسوم بدعاری استقامی بزرگ (مجموعی کل) در آنجا هفت یا هشت نفر مستخدمین محترم بودند که هر یکی از ایشان محاسبات مالیه يك یا دو ولایت و ایالت سپرده شده بود مثل ایشان منحصر بود باینکه مولای پیشکاران و

نور زنده و تقویراً که ریاست مرکزی متظفر و متوقع وصولش بود وصول نموده و بحساب  
 ریاست کل باورند. صاحب‌مصابان محترم بواسطه اطلاع مخصوصیکه از طریقہ پیچیده  
 مالیات مملکت دارا بودند بالنسبه بسایرین در خدمت سرجمعه شان دوامی داشتند از  
 اول و هله ورود مارا که واحهای مداخل بخل و غششانرا تهدید میکرد بخل با تقلبات  
 و حیلہ های خودمی پنداشتند. مواجب ایشان بالنسبه بده مسئولیتشان بسیار کم بود مسئولی  
 که در طهران بیشتر از همه مواجب داشت ماهی یکصد و سی و پنج «دالر» (صد و پنجاه  
 تومان) میگرفت اگر یگویی زوت و دولتیکه هر يك از ایشان در ظرف چند سال جمع و  
 ذخیره کرده بودند پس انداز مواجبشان نبوده از حقیقت در دور نخواهیم بود سئوگشان  
 با من گستاخانه و جسورانه بوده و از دادن هر قسم اطلاعی از خدمات خود بکلی محتاجی  
 و امتناع داشتند از هزار و زیکه قانون سیزدهم زون امضاء و تصویب شد ایشانرا از  
 آن نظارت اسبی که در افعال و اعمال پیشکاران مالیه تمام مملکت داشته خلع و منفصل  
 نمودم دره پیشکاران ولایات بتوسط تلگرافهای متعدد انال که بامضاء رئیس الوزراء و  
 کابینه بود عزل ان مدیرها را اطلاع داده و مستقیماً برایشان دستور العمل فرستادم  
 که کلیه پیشکاران باید طرف راپورت و محاسبه و معشولیت خود را اداره خزانہ نازہ  
 تشکیل شده تساخته و از سرکز کسب تکلیف نمایند. مسئولی و مدیران محترم را باین  
 قسم بحال خودشان واگذاردم که ما کماپیچه ورود های خویش بازی کرده و در خطایای  
 خود دقت و نامل نمایند. اگرچه بسیاری از شعب و دوائر مالیه بواسطه خلع ایشان معطل  
 و بیکار شده بود ولی مدیران مشارالیهم را بکلی از مالیه خارج نموده و به آنها اجازه داده  
 بودم که در هماججا بنامند تا براه راست مایل شده و از حیالات کج و معوج خود منصرف  
 شوند نقشه عمومی برای تجدید و ترتیب عاجل مالیات حصص و قطعات در نظر داشتم  
 که ماخذ یعنی بدست آورد و قانون ساده مالیاتی داخلی ترتیب داده بجلس تقدیم تمام  
 هنوز در این رسته اقدام صحیحی نموده بودم که ورود شاه مخلوع و تدارکات نظامی  
 چهار ماهه و در پشای امور یکه از نتیجه ان مسلسلا بظهور پاوست و وقوع و تالیح سیاسی  
 که منتهی بمراجعتهم از ایران شد بمعرض وقوع آمد \*

مسلم است که ریاست مرکزی مالیه ایران از مالیاتی که باید وصول شود و مقدار  
 متناسبه و تقسیم معتدلا نه بین رعایا اطلاع درستی ندانست برای پیشکاران مالیه هیچ



چیز اساتیر از این نبود که بگویند ( چنانچه پیشکار مالیه نبرتر در تمام مدت اقامت در طهران همیشه میگفت ) که بسبب اختشاش و اضطراب حالت ولایات و ایالات غیر ممکن است که مالیات وصول شود و بواسطه این گذر از تادیه مبلغ مالیات تسامح میورزیدند ریاست سرگرم با اینکه بی حقیقی آن برانه هارا بخوبی ملتفت شده و میدانست که قسمتی از مالیات اقلأ وصول شده چاره غیر از این نداشت که ایشان را عزل یا حبس نموده و یا معاذیرشان را بپذیرد \*

خیال من این بود که بتدریج از ولایات معظم شروع نموده و در سرکز هر يك خزانة جرفی در تحت ریاست یکفرمانور امریکائی یا اروپائی تشکیل نمایم و در هر ولایتی یکفرمانظر ( معش ) سیار اروپائی بصحابت چند نفر اجراء ایرانی و یک صاحب منصب اروپائی سرکردگی عده ژاندارمه خزانة معین کنیم که خزانة دار جزأ اولایت را در وصول مالیات امداد و معاونت نماید و خزانه داران جزء علاوه بر وصول مالیات از محل و تادیه آن بخرانة دار کل از ماحذومرهای مختلفه مالیات ولایات و نقاط ابوابیستان و نقشه بن کلیه نفوس و محصولات و صنایع بالفعلی و بالقوه آن محل اطلاع کامل حاصل نمایند و در صورت امکان کتابچه و دستورالعملهاییکه در ضبط و تصرف مأمورین جزء بوده برای پایه و بنیاد نظم عمومی کلی بجهت تعیین میزان لازمه مالیه بدست بیآورند شاید برای این کار یکی دو سال وقت لازم بود ولی تا درجه که متعلق بایران بود هیچ مانع مشکلی در تکمیل این نقشه بخاطر نمی رسد \*

یکی از نقائص بررگی که در طریق وصول مالیات بود این بود که غالب آن کتابچهها کهنه و قدیمی و از یک نسل قبل مرتب شده بود ( یعنی مناسبی با حالت حاضر نداشت ) و نمیشد آنها را مایه و بنیاد صحیحی برای وصول مالیات قرار داد در زمان ترتیب کتابچههای مربوطه بسیاری از قراء و دهات بوده که معمور و دارای عده نفوس بسیاری بوده اند ولی اکنون بکلی ویران و رعابای آن بخصص و قطعات دیگر مشغول و پراکنده شده اند \*

و همچنین از بعضی اردهات که سابقاً هزار نفر یا بیشتر عده نفوس داشته ولی حالیه دویمت یا سیصد نفر صحت بیشتر ندارد همان مالیات رعابای سابقاً که سه چهار برابر جمعیت حالیه بوده میگرفتند و باعکس آدای که در زمان ترتیب کتابچهها داوای قلیل نفوسی میگفته بوده و اکنون ترقی و وسعت موی العاده یافته همان مالیات سابق را بخزانة

ولی با این حال کتابها پیمان حال سابق مانده و تغییر نیافته بود \*

یکی از قوانین اولیه که در زمان تشکیل خزانه اجرا داشتیم این بود که قرار داد تمام معاملات نقدی مایه قبض و اقباض آن بتوسط بانک شاهنشاهی ایران یا بانک معتبر دیگر انجام گیرد و چون بانک شاهنشاهی در هر یکی از شهرهای بزرگ شعبه داشت با رئیس کل آن قرار دادیم که پیشکاران کلیه مالیات نقدی که وصول میکنند تحویل بانک محلی داده و بتوسط همان شعب تلگرافاً برات بمرکز نموده و بجمع حساب خزانه دار کل آورده شود و همچنین جمیع مخارج دولتی بر عنوان که باشد بتوسط چک حواله بانک پرداخته شود معاملات نقدی با خزانه چه دادن و چه گرفتن بکلی ممنوع و موقوف شود و بدین طریق محاسبات تصفیه و واضح و جمع و خرج خزانه ایران در خارج مرتب و برقرار گردد ادارات دیگر مانند وزارت پست و تلگراف و اداره تذکره و زارت خارجه و گمرکات هم با اینکه در تحت نظارت معلقه خزانه دار بودند مقرر داشتیم که عایدات خود شان را مستقیماً تحویل بانک نموده و قرض رسید آنها عوض نقدی بخرج خزانه بیاورند \*

ولی بزودی ملتفت شدم که غالب پیشکاران مایه ایالات با اینکه اظهار کمال اتفاق و مساعدت با قوانین خزانه داری کردند مالیات ابوابجمعی خودشان را بطوریکه مقرر داشته بودم بیآنکه تغییر مستادند بملاحظه همان مثل عمومی که پول را نباید از دست داد ( یا هر چه بادا باد ) نفوذ موجوده خود شانرا تا مجبور بتأدیغ نمیشدند نمی پرداختند معرول کردن یکی دو نفر مشهور و متنفذ از متصرفین و اطلاع سایرین از عزل و انتیبه تخلف ایشان اثر بسیار مطلوبی بحشید با وجود بی نظمی و اغتشاشیکه بواسطه شهرت خبر مراجعت شاه مخلوع تمام مملکترا فرا گرفته واضطرابهای محلی که از یکسال قبل از ورود مادر غالب تقاط ایران خاصه در ایالت بزرگ فارس که واقع در جنوب است شایع داشت مالیات شروع به آمدن گذارد در تمام مدتی که من خزانه دار بودم ایالت اذربایجان بواسطه ورود بی در پی فسون روس و بسبب طغیان و یانگی گری شاهسوندها نظر باطمینان و همت گرمی رئیسشان بروسها دوچار همین انقلابات بوده و بقدر هکت « دالر » ( معادل با یازده قران و کسری حول ایران ) از مالیات انخل عاید خزانه طهران نشد بلکه بعکس خزانه مرکزی برای عود امنیت مبلغ گزافی برای انواج

نهای و پلیر آف محل داد \*

پس از تشکیل خزانه ملکت بدم که با کثر مأمورین وصول مالیات مبلغ نا قابل  
 واجب میدهند آنهم برای اسم راضی بودن مأمورین بچنین حقوقی غیر معتاد بهی در  
 مقابل همیور، مسئولیت بروجی دلیل قاطع و واضحی بود بر اینکه از طرق دیگر معاوضه کافی  
 زحمتشان بایشان میرسید برای هر يك از آنها مواجب و حقوق کافی بناسب عظمت و  
 اهمیت محلای ابراجیمعیستان معین نموده و سواد حه آنها را آگاهایدم که باقی بودن بر خدمت  
 و رسیدن باضافه مواجب آینده موقوف بصحت عملشان میباشد که در وصول و ایصال  
 مالیات بمرض ظهور رسانند اگر چه بواسطه علل و اسباب خارجی نتیجه مطلوبه بدست  
 نیامد ولی با اینکه تمام مملکت گرفتار و خانه جنگی بود خزانه در ظرف پنج ماه بیشتر از سال  
 پیشش یعنی قبل از ورود ما مالیات وصول نمود \*

مسئله وصول و نگاهداری اجناس مالیاتی مثل گندم و جو و کاه و پنبه و محصولات  
 زراعتی دیگر که دولت وصول میکرد اشکالش بیشتر بود سابق اینگونه مالیات از  
 تصیبات کوچک و تقاطیکه از مراکز ولایتی یا ایالتی کما پیش دور دست واقع شده بودند  
 اصلاً وصول نشده و از قبضه اش چیزی عاید خزانه نمیگردید بواسطه اینکه محصولات  
 مزبور به چند دست میکشت تا بجزایره، مرکزی یا ولایتی و ایالتی برسد در صورتیکه در  
 چنین حالت اعتقالتی بشفرت کار (حمل و نقل و فروغتن آن اجناس) بحال بود مگر  
 در همان امکه که صدها میل یا بطهران فاصله داشت و اگر هم چند «تن» گندم یا  
 کاه و غیر آن بالاخره بمرکز ولایتی میرسید حمل و نقل عینش منل بول بتوسط فکراف  
 بطهران ممکن نبود (۱) و اگر هم بطور مرابده (حراج) فروخته میشد یکباره از  
 قیمت اصلیش عاید نمیکشت بدون شبه یکی از تقلبات حکام یا مأمورین مالیه در  
 ازمنه سالف وصول و مبادله این قبیل اجناس بلوکات بوده نظائر این امر را بن نشان  
 داده بودند که مأمورین مالیه از فروش متقلبانه مالیات جسی در یکر و ز یا يك معامله  
 بیشتر از چند هزار «دالر» منتفع شده بودند \*

وقتی که در او احو را بنابر ۱۹۱۱ (تقریباً برج مغرب و نوس ۱۸۳۳ شمسی ۱۳۲۹ قمری)  
 شروع بجمع آوری غلات و شویال گرفتن سایر اجناس مالیاتی نمودم که در زستان رخ  
 نان را تا درجه منظم نگاهدارم مانع بدم که دست زدن به انکار چقدر متکمل میباشد

(۱) «تن» مادل، اسبهد و هیجده تن و سه چارک بوزن تبریز است - مترجم \*

## و مجموع گنم \*

تمام عایدات داخلی مثل مالیات اراضی و عوارض بلدیة محلی و عایدات اراضی خالصه دولتی و صنایع و معادن و حرف و غیره جزء مالیات محسوب میشد این قسم مالیه تنبیه مالیات « نولتاکس » ( سرشاری ) بود علاوه بر این عوارضی از عمل آوردن و فروختن نرپاک و پوست بره و روده گوسفند میگرفتند و خراج بسیاری از مشروبات و مسکرات هاید دولت ایران میگردد اگر چه بدون شبه استعمال مسکرات در مذهب اسلام حرام و ممنوع بوده و تعیین آن از طرف دولت مستقیماً و یا با مشاء رسمی آن نبود ولی واقع و حقیقت امر ایست که اداره مرکزی این قبیل عوارض را نظر بدو حکمت تعیین و وصول می نمود یکی محدود نمودن استعمال آن و دیگر اصال عایدات غیر مستقیمه بدولت \* علاوه بر مالیاتهای مذکوره عوی یک انتفاع دیگر دولت ایران از مجرای عایدات گمرکی بود و مقدار قابل از اداره پست و انکراف و مبلغ مختصری هم از اداره تذکره و وزارت خارجه عاید خزانه دولت میگردد \*

اداره گمرکی ایران در تحت ریاست تقریباً بیست و هفت نفر صاحب مه بان با یکی است که رئیس کل آنها مسیوم و ررارد بود و در طهران اقامت داشت با اقسام معاونین متعدد دیگرش این اداره مسئی از عایدات تذکره را بتوسط اجزاء خود در سرحدات نیز وصول مینمود عایدات گمرکی در سه ایت ایل ترکی که تقریباً مطابق سنه ۱۹۱۰ بود قریب سه میلیون و چهار صد هزار تومان بود ( قیمت تومان اگر چه بواسطه ارجهای مختلفه با ژار تغییر پذیر ولی غالباً مساوی بانود سانت یعنی نه عشر «دالر» امریکا بود ) و در دو سال قبل یعنی سنه ۱۹۰۹ و ۱۹۰۸ ( تقریباً دو سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ ) سه میلیون و یکصد و ششاد و پنجمزار و سیال دیگرش دو میلیون و هشتصد و سی و سه هزار تومان بود بهر حال تمام محل عایدات مروره بموجب قرارداد استعراض از دولتین پیش آنها بیست و پنج کرو و تا بعد از احتتام و تأدیه اقساط استملاك انقضه ( يك ماہون و دو بیست و پنج هزار لیره بانك شاهنشاهی ) کترین وحشی که لازم بود سالانه بصرف تأدیه مورد و توسط استملاك طلب دولتین برسد معادل دو میلیون و هشتصد و سی و دو هزار تومان بود \*

چون اقساط استهلاك قرض بانك شاهنشاهی تا پنج ساله شروع نشد هر عرض این مدت سالی سی و یک هزار تومان از سود و اقساط استهلاك قرض دولتین کمتر پرداخته شد اگر بزرگترین عایدات کمرکات را که در این سنوات اخیر وصول میشده بپیاد و مأخذ عایدات سنوات بعد قرار دهیم دولت ایران از این عمر مهم و مجرای معظم باید سالانه متوقع بیشتر از هشتاد و شصت و هشت هزار تومان عایدی باشد و بر حسب شروط استقراضیکه در سنه ۱۹۱۰ از دولت روس نموده بودند این مبلغ فاضل تا مدت ششماه باید در بانك « دیسکونت » استقراری که شعبه بانك دولتی روس در طهرانست بماند بانك مزبور فقط سالی دو مرتبه برای تادیه مطالبات دولت ایران حاضر بود \*

علاوه بر این باید نادیده سود و قسط استهلاك قرض روس هم بنات بشود و اختیار تعیین نرخ منات هم برای تزیل هر ماه با بانك بود که هر ماهه نرخ تبدیل تومانهای ایران را که از محل کمرکات وصول نموده بنات تعیین نماید (۱) اگر بگوئیم بانك روس بموجب استحقاقیکه بموجب فرار داد آن استقراری برای خود معین نموده سعی و کوشش میکرد که از آن تبدیل و محاسبه تزیل ضرر و نقصان نبرده باشد شاید خلط نگفته باشیم \* یکی از مصارف و مخارج معینه دیگر که باید از محل فوق یعنی از عایدات کرکی در ایران پرداخته شود مخارج برقرار داشتن بریگاد و مواجب فراوان بود زمانیکه در طهران بودم کلیه مخارج تزیل خانه معادل با سی هزار تومان ماهانه میشد علاوه بر مبلغ غیر معینی که کرنل آن بریگاد یا سفارت روس باسم مخارج فوق العاده یا برای تجویز لشون و لشکر کشی از دولت ایران مطالبه مینمودند مطالبات فوق العاده مزبور در ظرف یکسال بیشتر از هفتاد هزار تومان شده بود آن عیث نظامی مشهور از سنه ۱۸۸۲ ( تقریباً از سنه ۱۲۹۹ هجری ) در عهد سلطنت ناصرالدین شاه در تحت مشافی کرنل چار کومسکی روسی تشکیل شده بود کرنل مزبور را اداره نظامی فقفاز باین خدمت مأمور و معین کرده و چند نفر صاحب منصب « کپش » و « بان کپشن » روسی هم معاونت کرنل موصوف معین شده بودند عرس ناصرالدین شاه با مستشاران و معلمات بنان روسی از تشکیل اینطرز فتور خارج بودون تشبه آن بود که او را از حد کات و اقدامات متفرانه و معفانه رهایی بسیار مطلوبس که حتماً واقع شدن بود حفظ نماید در یگانگی که

(۱) «نمات» روسی با «روبل» با اختلاف نرخ اوقات مختلفه بین بهترین و بدترین تقریباً شش قران ایران و معادل با یک ریبه و نه الی دوازده آنه کورجست می باشد - ترجمه \*

یابن نیت و قصد مبشوم تشکیک شده بود. حد مرتبه لیافت خود را بحین معیار بمعرض  
 ظهیر رسانید و همیشه بر برگزین «آنتریک» کننده رجوری مظالم روسها در ایران  
 بوده چنانچه اکنون هم میباشد معروف بود که «برینگاد» مزبور مشتمل بر هزار و  
 شصتد با مقصد نفر میباشد و مبنی هم که برای بقا این «برینگاد» بمصرف میرسد  
 بهترین دلیلی بر کثرت عددشان بود ولی تا زمانیکه من در ایران بودم با مبلغ گرانیکه  
 از خزانه مفلس دولت ایران مطالبه و وصول مینمودند و مبالغ بسیاریکه بی دردی بگرفتن  
 و صاحب منصبان دیگر داده میشد حقیقه عدد کاملش کمتر از چند صد نفر بود هیچ  
 حساب یا صورت خرجی در کار نبود در زمان لشکر کشی و ظهیر فتنون برای جاوگیری  
 از محمد علی و اتاباش صحمام السلطنه رئیس الوزراء از من خواهش نمود که بعضی از  
 پولهاییکه کرنل برینگاد مزبور بعنوان مصارف فوق العاده مطالبه مینماید بردارم من هم  
 قبول کرده و پرداختم و کاغذی هم بکرنل نوشه و از او خواهش نمودم که صورت  
 حسابی برای مدت مزبوره بفرستد تا مطمئن شوم که پولیکه داده ام برای مصرفی نباشد  
 که دولت سابقاً آن وجه را پرداخته باشد ولی کرنل از دادن همچو توضیحیکه مبلغ مزبور  
 ۳۰ کونه و بید عمل و بیمه عنوان صرف شده امتناع نموده و پروتستهای بی دردی در باب  
 اداء شدن مطالبه اش بسفارت روس فرستاد و مرا متهم نمود که از تأدیه پول  
 انکار نموده ام \*

یکی از موانع بزرگی که در وصول مالیات در چهار تنده بودیم نبودن هیچگونه قانون  
 جنایات که عبارت از خدعه و تقلب و خیانت و ماندن این جرائم میباشد بود ما مورین  
 مالبه با سایر صاحب منصبان دولتی که تقد و جنس یا سایر متعلقات دولت در تصرف آنان  
 بود بکمال سهولت و آسانی و بدون تصور اینکه شاید وقتی از ایشان تحقیق یا مواخذة  
 شود مالبه و متعلقات دولتی را برای خود جایجا و تصرف می نمودند فقدان و سائلین مجازات  
 هر گونه جنایتی پیشبیه باعث وسعت آنگونه تقلبات و خیانتهای عمومی شده و کم کم ادارات  
 دولتی هم سرایت کرده بود نظیر حالت حاضره ایران حالت ممالک متحدانه خواهد بود  
 اگر فواین جنایات یا مجازات خیانت در امور دولتی از آن ممالک برداشته شود ادارات  
 عدلیه بالنسبه سایر ادارات در هر نقطه ایران که بود عوض اینکه در مقابل کسانیکه  
 مایل بارتکاب جرائم بودند مابقی باشد بیستدرکمال و بی نظمی بود در صورتیکه دوائر  
 مزبوره عدلیه جزء عمده نظم عمومی بود برای جاوگیری از تقلبات صاحب منصبان و

ما مورین دولتی که از تیجه دسترنج ملیون ها رعایا و اهلالت بی عمل بهره مند و بسیار قریبه (متحول) آمده بودند آن ادارات ادارات مختصری بود برای سیاست و تنبیه ما مورین غیر متدین و خائن مانند تدابیر پلیس در صورتیکه حالت سیاسی محلی مقتضی میشد یا رأی عمومی تصویب مینمود دولت امر بحبس ما مورین خائن نموده و استنطاق ظاهری (بسرری) افترا از آنها میکرد بحسب عدلیه عموماً در مرکز اداره پلیس بود این فقط حالت طهران است که بیان میکنم ولی در سایر ولایات حکومتهای محلی عدالت را بقوه جبریه بکار می بردند نتیجه صحیح همچو حبس و استنطاق کسیکه مرتکب جرم و یا نسبت جنابیی باو داده شده بود این میشد که شخص جانی و مجرم یا کسان و دوستان او مجبور میشدند که مبلغ معتد بهی که کفایت خواهش و چشمداشت حکومت را بکنند فراهم نمایند زیرا که حکومت مزبور گویا هم ناظر و مفاش عدلیه و هم حکم و مجری احکام آن بود \*

این وضع حالت ملکت و ضرورت بکار بردن اتراث معنوی (قره جبریه) نسبت بمسخدمین دوائر دولتی و مالیات بده های متعدد سرکش که میتوانستند از صدها تا دیه مالیات املاک خود بر آمده و تطل و تسامح میورزیدند حرا مجبور نمود که بحسب مخصوصی در طهران ترتیب دهم که پس از تحقیق و استنطاق در حضور ما مورین محترم خزانه و ثبوت قره و مخالفتهای با قوانین مایه مرتقا در آن بحسب توفیق شوند \*

پس از شروع باصلاح امور خزانه بوزراء مختلفه اطلاع دادم که هیچ وجهی از خزانه پرداخته نخواهد شد مگر بعد از اظهار کتبی که بر اوراق چاپی مخصوص خزانه (که خودم ترتیب داده بودم) نوشته شود اوراق مزبوره بفرانسه و فارسی یا اسم و عنوان خزانه دار کل طبع شده و لازم بود که توضیح مفصلی از بابت و تاریخ و مبلغ مطلوبه و غیره با امضای دریافت کنندگان در آن اوراق درج شود غالب صاحب منصبان کابینه طریقه مزبوره را بطیب خاطر استقبال نمودند زیرا که علی الظاهر همچو تصور نموده بودند که ببرد اینته خانهای آن اوراق را بر کرده (خانه بندی نموده) و توضیح هر فقره را در ستون مخصوصش نوشتند دیگر کارشان با تمام و مقصودشان بانجام رسیده است و برای خواننده دار عذری عبرت آدبه وجهه مطلوبه باقی نخواهد ماند بهمین ملاحظه از طرف تمام ادارات و دوائر دولتی برای گرفتن نمونهای چاپی اداره خزانه حمله نموده و در ظرف چند هفته دفتر سرا ببارد (غارت) کردند بجهت مطالبه مبالغه که مبنی بود بر دعاوی و دلایل

پس او عجیب لازم نیست بیان کنیم که در ظرفه مدت خیلی بر مطالبه کنندگان معلوم  
 مکتشف شد که بصرف آنکه وزیر مطالبه خود را بنسبت اوراق ساده خزانه (که  
 هیچ مدخلیتی در ثبوت دعاویشان نداشت) اظهار نماید حسب بقیین خزانه دار نخواهد شد  
 که تمام مطالباتش صحیح و واجب التأمین می باشد بعضی از آن مطالبات بعدی تعجب انگیز  
 و مضحک بود که ذکرش بی مناسبت نمی باشد مثلاً دو نفر سیاح فرانسوی که در اثنای  
 سیاحتشان بطهران رسیده و با والا حضرت لایب السلطنه هم ملاقات نموده بودند روز  
 دوم ورودشان در وقت مطالبه از وزیر خارجه رسید که بسیار مورت تعجب گردید  
 خواهش نموده بود که حسب الامر والا حضرت مبلغ صد تومانی به آن دو نفر سیاح محترم  
 بعنوان عنایت شاهانه و مرأحم خسروانه داده شود چون در آن موقع مناسب نمیدانستیم  
 که با دولت جمهوری فرانسه بحث و مذاکره مسئله بین المللی باشد باید وجه مزبور را  
 برداشتم ولی وزیر مذکور را متعجب نموده که بر حسب قوانین جدید خزانه عنوان موجه  
 قانونی برای تأدیه وجوه دولتی لازم است در موقع دیگر مستوفی متین و موقر وزیر داخله  
 بدیدن من آمده و بعد از اداء تعارفات بسیار صورت مطالبه اراء نمود که پادشاه جواب  
 وزیر مذکور بود ترجمه اش بر حسب ذیل است :- «مطالبه احد تومانی باید به سید  
 فتح الله داده شود چرا که از الاغ (در از گوشت) خود اختاره و بایش شکسته است» شخص  
 بدبخت خزانه دار مزبور که به آن صدمه افسوسناک درچار شده بود پس از دانستن  
 اینکه احضری نمیتواند مطالبه اش را تسلیم نموده و به بردارد بسیار متعجب و دانگر شد \*  
 در موقع دیگر وزیر دربار با دو فقره مطالبه پادشاه من آمد يك فقره مطالبه بعنوان  
 «قیمه روغن چغندرهای شاهي» و دیگر برای فراهم نمودن «گاه بیهة» اتوموبیل «  
 اعلیحضرت» آن خواهش بانه ازه تقیل و بدرجه بی معنی بود که سرآید و شکوات رسمی  
 من ناپ تحمل آن را نداشت این رسم فقط در ایران معمول است که روغن برای  
 شتر و گاه برای «اتوموبیل» باید فراهم شود این دو فقره مطالبه جدی و حقیقی بود  
 زیرا که يك قسم روغن مخصوصیست که بدن شتر می مالند که حاکم اونوم (یا از مرض  
 حارس و ریختن شتر محفوظ) نماید و باجزاء و مستخدمین «گراز» کانسکه خانه شاهي  
 هم مقداری گاه بعنوان علوی داده می شد من آن هر دو فقره را تسلیم نموده و برداشتم \*  
 در او آخر ستامر که معلوم شد محمد علی میرزا نمیتواند خود را بطهران رساند نقشه  
 (مسودة) که برای اصلاحات امور مالی بسیار لازم و مهم بود بکابینه تقدیم نمودم \*



در آنوقت که تمام هم و کلام مصروف با اصلاحات مالیه و سرگرم به آنکار بودند اگر به تحصیل تصویب مجلس نائل نمیشدیم بی شبهه احتمال دوچار شدن بخطر عدم تصویب آن نقشه میرفت. در آن موقع باختیار یکی از دو شقی مجبور بودیم یا صبر کردن تا شش ماه و یک سال برای تحقیق حالت اصلی و تفصیلی مالیه ایران تا قوانین منصله که حاوی طریقه تحصیل عوارض و ایجاد مالیات جدید و جمع و خرج پولهای عمومی ملتی باشد بنویسیم و با اینکه قانون عام کلی ساده نوشته و پس از تصویب مجلس فوراً بموقع اجرا بگذاریم قوانینی که اختیارات نامه در تمویل گرفتن مالیات ایران بمنزله دارنده اختیارات شقی ثانی طبعاً مشکل تر بود زیرا که در قبول همبستگی و دوپائی جستان در وسط ادارات عذیده عبر مستقیم بی دانات خوف این بود که بکرتبه غرق شویم ولی چون از اول یکی دو مقرره شمره راجع باین گونه امور ذخیره داشتیم اختیار متقی اخیر را مطابق حزم و مآل افدیشی دانستیم \*

بعبارت اخیری و عملهای حیات مالیه ایران بسرعتی خارج میشد که اگر تدابیر عملی فوری برای جلوگیری آن کرده نمیشد یا س و روشکستگی و پریشانی و غارتگری سرپچی هم در طهران و هم در سایر ولایات واقع میگردد (۱) \*

لهذا لازم و مناسب بود که در اولین وعده نظارت متمدنانه سرگریه نمودن را تحصیل کرده و آن نظارت را رکن و بنیاد اصلاحات آتیه قرار دهیم و سپس شروع باصلاح ادارات و دفاتر دیگر نموده و برای منع از تقلب و غفلت سعی غایم و میزان دخل و خرج متمدنانه مقرون بصرفه و عقلی بصحت مالیات موجوده معین کنیم و بهمین رویه موقتاً کار بکنیم تا قانون و طریقه جدیدی برای تصفیه و تسخیر کلیه حسابات مالیه وضع شود \*

پس از آنیکه قانون سیردهم قرون بتصویب مجلس رسید سعی و کوشش بسیاری

(۱) در ارمه سالفه که هنوز اختراع این ساعت حائبه نشده بود مقیاس الوقت با آلت وقت شناسی تزییب داده و دند که وقت بتوسط آن معلوم میشد و آن عبارت بود از دو کروی میان تپی متصل بهم که در نقطه انصافشان سوراخ بسیار کوچکی قرار داده و در یکی از آن دو مقدار معینی «شن» بسیار نرمی «رمل» ریخته که هر وقت کروی تسداز را بسعت بالا قرار دادندی در امتداد زمان معینی آن تن ما در کوی دیگر میریخت همانچه هنوز هم در بعضی از صنایع زمان حال دیده میشود مقصود مصنف از رمل همین تنهای «سند واضح» (Sand Watch) مالیه و کنایه از گذشتن وقت است - مترجم \*

نمودم که «احترام» آن را بین اهالی داخله و اجانب عوض احترام معتد بهی که از پول و اقتدار و نفوذ و سرانجام جرات در کار بود معمول دارم هیچ وضع و اهمیتی نسبت به قانون که حقیقهٔ مجسمهٔ حقوق عمومی بود وجود نداشته است. در ایران قوانین خصوصاً قوانین مالیه هیچ قایل اعتنا نبود. بعد از مدتی مطلع شدم که چند ماه قبل از آنکه اصلاح امور خزانه بجا محول شود مجلس قانون «کنتابلیته» (Contabilite) مقتضی و مناسب وقتی اجراء دادند که مأمور اصلاح از چند فقره قانون مالیه فرانسه گرفته شده بود. اگرچه قانون مزبور اساساً از چند ماه قبل جاری بود ولی بکنفر صاحب منصب را نتوانستیم بپردازیم که معنی آن قانون را دانسته با افلاک مختصر کوششی در اجراء آن کرده باشد در صورتیکه بوجود آن قانون مخربه و مباحثات کرده و با کمال دقت و آرامی خاطر بقرارت گری خود مشغول بودند \*

برای تعلیم و تلقین احترام قانون همین که در تابستان گذشته بر پشانی و انقلابات خانه جنگی (سنگ های داخلی) شروع به نسکین گذارد مشغول مالیات املاک اعیان دولت و بزرگان بسیار خائن معروف مثل علاء الدوله و شاهزاده فرمانفرما و مردم را کردیم \* قانون از معامله علاء الدوله مسبوق می باشد شاهزاده فرمانفرما هم چون آخر کار دید در باره وصول مالیات املاک کجی بیعت و مصرف می باشم نزد هیئت وزراء راه و خدمات دلیرانه خود را که هم از حیث جنرالی (سرداری) قشون و هم از حیث وزارت جنگ نسبت بدولت مشروطه مسئول دانسته نذر کار نمود و پس از اختتام اظهارات خود بگریستن بر نشانه رئیس الوزراء شروع کرد هیئت وزراء بطوری متألم و متأثر شدند که فوراً مراسله متواضعانه بن نوشته و ایما نمودند که شاهزاده فرمانفرما از تأدیه مالیات خود معذور خواهد بود تا از طرف هیئت وزراء تحقیق کاملی در این معامله بعمل آید خود فرمانفرما مراسله مزبور را آورد جواب گفتم یکی از دوشی را باید قبول کنید یا خدمات دایر به خودتان را بدولت مشروطه بتأدیه بقایای مالیاتی املاک خود تان در روز بعد ثابت و مجرا بدارید و با اینکه سرا بضبط غله انبارهای خود مجبور نموده که شمار از زحمت حفظ آن آسوده نمایم بهیئت وزراء جواب نوشتیم که اگر التفات فرموده توجه و هم خودتان را به تصفیه و اصلاح امور سایر ادارات مصروف دارید من خود سعی در جمع آوری و وصول مالیات خواهم نمود شاهزاده قسمت عمده مالیات بدهی خود را در روز بعد پرداخت اگر چه بضبط مقداری کمدم در یکی از املاکش مجبور شدم

دشار الیه از زمان حکومت و سرداری قشون و عضویت کابینه اش چندین میلیون (دالر) ذخیره و آندوخته نموده بود \*

مطلع شدم که سهدار يك فقره هفتاد و دو هزار تومان از بابت مالیات سال گذشته نقل بجزایه دادنی میباشد و در مقابل آن ندهای يك میلیون تومان اظهار میشود که برای خدمات وطن پرستانه و مصارف تجهیز «مجاهدین رشت» که يك قسمت از اقواج ملی بوده که در سنه ۱۹۰۹ (پست و هفتم جمادی الاخر ۱۳۲۷) طبران را از محمد علی انقراع نمودند و صرف رسانیده گفته بود که باید دولت از خدمات او ممنون بوده مشار الیه و اولاد و اسنادش را ناده لعل (پشت) بعد از تادیبه هر قسم مالیاتی معافی بدارد که شاید بتواند املاک وسیع خود را که در شمال ایران واقع است و همسین خانواده و مناسبتین و بستگانش را از ورا کدگی حفظ نموده تا آن سلسله قدیمه باقی و با پندار و اندک در این صورت ممکن بود تا هجرت و پنجاه سال بعد اولاد سهدار مالک بیشتر املاک مالیات بده ایران بشوند عاقبه الامر راضی شد که بنایای مالیاتی خود را به بردارد یکی از فرزندان خود را هم حقیقه فرستاده بود که غله املاکش را برای تادیه مالیات حمل و نقل نموده و با بار و شد که او این اقوامهای روس شروع شده و نفیوت تازه در مدافعه از خزانه دار بسهدار بخشید \*

در صورتیکه اختیارات و اقتدارات قانون سردهم زون تکلی مسلوب و معلوم شده بود هیچ کاری پیشرفت نمیکرد اگر بگویم بوسیله نتایج همین قانون بود که دولت در تابستان گذشته توانست برای سواران بختباری و امواج دیگر بجهت جلوگیری از محمد علی و سالار الدوله پول فراهم نماید بی جا نخواهد بود و واسطه نتیجه همین قانون بود که تا درجه قادر بممانعت از حملات بجزایه شدم و الا در ظرف دو هفته تمام مایه بغارت میرفت (تمام میشد) نایب المصلحت کرارا کتبتد که جنگ و کشمکش های من با مسلک بی با کانه کابینه و طرفه خاندانه خوانین بختباری بود که در ماههای تابستان پیشتر از دو میلیون تومان خزانة دولت را از دست برد و غارت محفوظ داشت علاوه بر جانوت وانی که بدولت نموده بودم در باقی دشتن اقواج در میدان جنگ تا زمانیکه باغیان متعهدین مغلوب شوند \*

در مراجعت از ایران در فوریه گذشته که وارد لندن شدم تمس لندن دقیقه از تنقید اعمال و اعمال من فرو کلاز نکرده و اعتراضات خود را باین ابراد ختم نمودند که نپایستی

موضوع بوده باشد که دولت نظارت مآلیه سرا در تحت قانون سیزدهم ژوئن تسلیم نمود، باشد زجا که ممکن بود قانون مزبور منافی با « اغراض و منافع مخصوصه » ایشان بوده باشد این احتمال در صورتی، مأمور است که در قانون مزبور نکته یا ابهامی بوده باشد که مضر یا مخروض مالیاتی یا غیر مالیاتی دولت اجنبیه بوده و یا بتواند بود آن تنقید بکلی برخلاف واقع بود زیرا که قروض دولت ایران بدولت اجنبیه بواسطه معاهدات و قرار دادهای رسمی که فیابین قرض دهندگان منعقد شده، کاملاً محفوظ بود و هیچ قانونی هیچ طریقه و عنوائی نمیتوانست اعتبارات آنقروض را ضعیف نموده و یا اتصال برساند \* مقصود اصلی از تعیین نظارت فوق المعاده مآلیه در ایران این نبود که تغییری در ضمانت با وثیفه های استعراضات اجانب بدهد بلکه برای قدرت و تقویت دادن خزانه داری بود که بتواند تقلبات عمومی را که ما بین خود صاحب منصبان ایرانی بود جلوگیری نموده و قلع و امح نماید تا بتواند عایدات داخلی دولت را وصول کند فی الحقیقه قانون مزبور بهترین وسیله بود برای از دیاد اعتبار آن استعراضات که اگر وقتی اعتبار وضانت آنقروض کافی نباشد از مالیات عمومی و منافع عایدات دولتی تأذیه شود \*

تعیین نظارت مآلیه راجع نامور مخصوص داخلی بود و هیچ علقه و ارتباطی با استعراضات خارجه نداشت مگر اینکه اعتبارات و محاطت سرائب آن قروض را زیادتر میگردد اندک اگر همچو قانونی وضع و محرمانه بشد بدون تیره هیچ قسم اصلاح و ترقی در امور مآلیه ممکن نبود و همچنین خزانه دار کل و معاونین امریکائیش نمیتوانستند دفاعی نتیجه از خیانت های « پارسی » صاحب منصبان دولتی بکنند همان صاحب منصبانیکه مهر استعراض هرج و مرج و رشانی امور سابقه مآلیه غرض دیگر مرکز خاطرشان نبود \* در اقتدار نظارت مآلیه ایران ولو بهر درجه هم که کامل بود راهی نبود که بدان وسیله نتوان از با نفوذی در قروض خارجه نمود مگر اینکه سبب زیادتی اعتبار عموم مطالباتشان میگردد \*

از تجربه مآلیه که صاحب منصبان و اعضاء اجنبیه مآلیه سابقاً تحصیل نموده بودند بخوبی واضح و آشکار بود که در صورت فقدان قدرت و سلب اعتبارات و واقع شدن در تحت نظارت یکی از صاحب منصبان طبقه اعلائی که بی در پی عنوان عضویت کابینه یا ادارات دیگر خود را مالک حرابه دانسته و سرعت تغییر می یافتند چقدر غیر ممکن خواهد بود که بتوانند نقشه و تدابیر عملی خود را ترقی دهند \*

اگر سه هجرت بود چه به ترتیب جدید در ایران معمول نبود ولی پس از آنکه زمانه  
 از شروع بکار ملتفت شدم که در صورتیکه تمام عوارض و مالیات داخلی وصول شود  
 خزانة سالانه شش میلیون تومان کسر خرج خواهد نداشت چون از سال قبل چیزی  
 (صورت حسانی) موجود نبود که از او معلوم شود که بیشتر از شمس مالیات که روی هم  
 رفته تقریباً و جنساً سالانه پنج میلیون تومان میشد بمحکومت (ریاست) سرکزی فرسیده  
 پس بروی میزان کسر خرج سالانه از شش به یازده میلیون میرسید (یعنی اعضاء خائن  
 مالیه چون صورت حساب صحیحی در بین نبود این پنج میلیون عایدی خزانة را هم جزء  
 کسر خرج قرار داده و بمصارف دیگر میرسانیدند و یا اینکه بی ترتیبی امور و احوال  
 کار بها شان کار را بجائی میرسانید که این مبالغ قلیل وصولی خزانة هم جزء لا وصول و  
 در ردیف کسر خرج بتساری آمد در این صورت کسر خرجهای سابق و لاحق جمعاً  
 به یازده میلیون میرسید مترجم) مگر اینکه بتوانیم قسمت عمده مالیات را وصول نمائیم \*  
 از طرف دیگر مبالغهائی که (حقوق و مواجب ماهانه) و زارتخانه ای مختلفه پیش نهاد و  
 مطالبه میکردند مبالغ بزرگ و نآدریه اش فوق الطاقه بود یعنی نه اینکه برای ریاست  
 مقتدری زیاد بود بلکه از این حیث که از اکثر شعب ادارات موهومی فرضی که فقط  
 اسمی از آنها باقی بود فایده برای ملت متصور نبود پس تدابیر مستفی لازم بود برای  
 مسدود کردن و التیام دادن آن تنگنا و وسیعی که ما بین مالیات حقیقی که از هر مأخذ  
 بدولت عاید میگشت و مخارج عمومی واقع شده بود یعنی تناسب صحیحی بین جمع و خرج  
 رعایت شود \* مترجم)

بعدین ملاحظه از اول « پروگرام » مؤکد مقرون بصره برای جمیع شعب مرکز و  
 ولایات پیش نهاد مجلس نمودم که متناسب با خدمات مؤثره باشد حدین ماه زحمت کتبی  
 وسیعی نمودم که وزراء مختلفه را محبور تمام تا بودجه ساده برای ضروریات خودشان  
 ترتیب دهند که در رد و قبول مطالبهائی که بخزانة اظهار مینمودند بمرله دلیل و راهها  
 (ماخذی) برای مرت باشد ولی عموماً نه بهانه های جدیدی نمسک شده و احوال  
 میوزریدند تا اینکه من حاضر و حاضر شده و از این حیال منصرف کردیم و در اداره  
 خود میزان مخارج ماهانه فرصی بجهة احتیاجات و ضروریات لازمه هر یکی از وزارت  
 حالهای مختلفه معین نمودم و بدون هیچ اعتنائی بوقع و عظمت تکالیفات یا دشواریها  
 برای مطالبه وجه داده میشد از میزان مفروضه تجاوز نمی نمودم آخر کار نمونه بودجه

برای وزارت جنگ که پیشتر از همه شکایت و تهدید بشورش نموده و مقصر بود از ترتیب  
دادن و ثابت نمود که ممکن است با دو میلیون تومان سالانه عشون و افواج کامل منظمی  
که عبارت از هزار نفر باشد مرکب از پیاده و سواره و توپخانه ترتیب داده در  
صورتیکه مواجب و حقوق ثابت و صاحب منصبان آن پیش از آنچه که حالیه به آنها  
میرسد بوده باشد ولی میزان سالانه که وزارت جنگ مطالبه مینماید هفت میلیون تومان  
بود آنها در حالیکه در تمام ممالک نمیتوانست پنجاه هزار افواج غیر منظم گرفته و اراده  
را نگاهدارد اذله و شواهدیکه در آفات افراط و تفریط و تقلب وزارت جنگ اقامه  
شده بودیم بحدی کافی و مسکن بود که هیئت وزراء مجبور شدند میران بودجه تحدید  
سرا تصویب نمایند صحیحاً الملاحظه که در آن زمان جسد جلیل وزارت جنگ متعین  
و گوارا وعده اجرا داشتن بودجه مرا نموده بود چون در نظر ارباب و طایفه بول دوست  
خرد و همچنین پیش دوست قدم ما امیر اعظم که معاونت وزارت مروریه را داشت متاثر  
و خجل بود از صدور احکام لازمه بجهت اجراء و معمول دانستن آن بودجه ایا و امتناع  
و رزید نتیجه آن حرکات این شد که من هم از تأدیبه و جوه پروات اداره مرکزی  
وزارت جنگ تمایلی نموده و فرار دادم انواعی که در سرباز خانهای طهران حاضر بودند  
مواجب خودشان را بدون مداخله وزارت جنگ مستقیماً از مسئولی خواله دریافت دارند  
در فهرست حقوق اداره نظام اسامی هیئت پست مطرتالذرا دادم که تقریباً بقدر حد نفر  
میشدند بنا بر این مختلفه مثل «جنرال آجودان صاحب منصبان طبقه اعلی مستشاران  
دشادان ماهر مدعی العموم معلمین و رؤسرای نظامی» ایشان نه فقط کوشش وجدو  
جهت برانمودن که ماهانه معادل چندین ده هزار «دالره» بتوان مواجب بگیرند بلکه  
بزرگترین موحد تقلب بودند تمام آنها در اداره نظام نسیم خورده بودند که سرتا  
نایند و افواج را ترغیب بشورش مینمودند ولی چون این اولین مرتبه بود که افواج  
مواجب تمام و کمال خودشان را بدون اینکه دیناری از آن کسر شود از خزانه میگرفتند  
تسوتی واقع نشد \*

طریقه تانوه که برای تناسب دن مداخل و مخارج لازمه سالانه هیئت وزراء  
تقدیم نمود. ایات و عوارض در تعیین واحد اختیار قوانین جدیده ذیل بود \*

اولاً اصنام مالیاتی زیاد بود اگر چه وضع و احراء این قانون در ایران علی الظاهر  
تجمیل و بسیار سنگین مینمود ولی در معنی و حقیقت ابتدائی نبود و از اجراء این

قانون متدار زیادی بر مایه دولت افزوده میشد و ناعد وسیعی هم جایز و مجرا بود و بدون هیچ گونه مخارجی بتوسط همان اداره گران خرجی که برای نظارت تجلیت نریك ( اداره جدید) تشکیل شده بود مبلغ خطیری و عمول میشد \*

باین اضافه مالیاتی بیعت مسکرات بود که در تحت نظارت اداره بعنوان وظایف پلیس وصول شود زیرا که تبین «چر مالیاتی عتار و سما از طرف مجلس (۱) ممکن نبود» ثالثاً مالیات جدیدی بدخانیات قرار داده شود یعنی از هر يك من (۲) نریز قبا کوچی (۳) که در داخل مملکت بعمل آید يك قران ( معادل بانه سانت آمریکا ) خراج گرفته شود بعلاوه اضافه مالیاتی بر قمام سیگار و سیگارها و اقسام مختلفه نونین افزوده شود \* رابعاً تسخ قانون عوارض روده و گرفتن يك قران باج از لاشه ذبیحه های کوچک مثل گوسفند و بره و غیره (۴) و باج پشتری برای ذبایح بزرگتر مثل گاو \*

خامساً ترمیم قانون عدلیه راجع به نر های اسناد رسمی که مستعمل و جامع جمیع اسناد و بروات تجارتی و معاهدات و قراردادها و قبوض و غیره باشد \* سادماً تحصیل رضایت دول خارجه برای ترمیم نعره گمرکات بزیاد کردن آن و تغییر دادن قانون گمرکی را راجع بمنع گرفتن گمرک در داخله \*

سابعاً نقشه و تدبیری برای خریدن و قطع نمودن وظایف و مسنمری هائیکه نریك مالی سه میلیون دولت بطبقات مختلفه میداد یعنی دولت وظایف مس و ره را بوسطه اسناد خزانه بوعده چهل سال بخرد و مبالغ سالانه آن سهام را سه ربع صدی پنج قرار دهد و سهام بتوسط چك باسم حامل باشد و مقدار ربع قیمت اسناد در هر صد تومانی باید به نسبت و صانه نخرکی (۵) یعنی میزان عتقهای اختلاف متاد بر اصل وظایف هر صاحب وظایفه باشد \*

(۱) چون مذهب رسمی ایران اسلام و بموجب آن استعمال هر قسم مشروبات حرام و ممنوع بود مجلس بوسطه هیچ قانونی نمیتوانست عوارضی برای استعمال مسکرات تسلیم نماید (۲) من نریز معادل بانس بود انگلیسی و يك جنس بوندمی باشد \* مترجم (۳) از این تا کس « خراج » جدید ممکن بود سالانه معادل يك میلیون و دو سست هزار تومان عاید خزانه شود \*

(۴) عوارض روده بعد از تحمل مخارج و حسارات و رحمت فوق العاده جناً عاید دولت میگردد \*

(۵) توضیح این جمله در چند صفحه بعد ذکر خواهد شد - مترجم \*

ثانیاً يك استقراض چهار میلیون لیره برای دولت لازم بود که قسمتی از آن باید بمصرف تأدیه طلب بانک روس « که تقریباً معادل يك میلیون و يك صد هزار لیره است » برسد و باقی آن برای بناء و اصلاح راه و راه آهن مصرف برسد و هیچ مقداری از آن وجه نباید بمصرف مخارج جاریه (۱) دولت بکار برده شود \*

بهاوت وجه استقراض فوق اصلاحات عمومی مالیات آور « مولد مالیه » ذیل انجام میگرفت « کدستر » ( Cadastre ) مساحت اراضی سرشماری سرمرانه « تقریبی » از نفوس ولایات و ایالات برای تعیین میزان متناسبی بجهت مأخذ مالیات تعیین مساحتی از جنگلها و معادن و اراضی و خالصه و تعمیر سرباز خانه و خریدن اسلحه برای ژاندارمری خزانة ترمیم و اصلاح جاده های موجوده احداث بعضی شوارع و طرق مهیسه جدید قریب وسائل آب رسانیدن بنقاط مختلفه ولی خصوصاً این نکته را هم باید در نظر داشت که معمول داشتن تدابیر سابق الذکر باعث ابراد و اعتراض مردم بمسئله که دولت مشروطه خدمت عام المنفعه مفیدی بملت نکرده است \*

(۱) اگر دولت ایران استناد این استقراض چهار میلیون لیره را بر رخ هشتاد و هفت و نیم درصدی تحصیل مینمود چنانچه استقراض يك میلیون و دو پست و پنجاه هزار تومان هم همین نرخ بود معادل سه میلیون و پانصد هزار لیره عاید دولت میگردد در صورتیکه قیمت هر لیره را پنج تومان و خمس تومان دو « قران » فرض کنیم هیجده میلیون و دو پست هزار تومان میشود پنج میلیون و شش صد و هفتاد هزار تومان برای تبدیل « تأدیه » استقراض بانک روس لازم بود و دوازده میلیون و پانصد و سی هزار تومان باقی می ماند من قصد کرده بودم که مبلغ باقی را بمصارف ذیل برسانم \*

برای « کدستر » مساحت اراضی زراعتی بانضمام سرشماری سرسری و تعیین مساحت اراضی جنگلات و معادن و اراضی خالصه سه میلیون و پانصد هزار تومان برای تدابیر آبرسانی و آب یاری اراضی لم بزرع دو میلیون تومان بجهت تعمیر و ترمیم شوارع و جاده های شوسه چهار میلیون تومان مصارف تعمیر سربازخانه و اسلحه بجهت ژاندارمری خزانة يك میلیون و پانصد هزار تومان که جمعاً معادل با یازده میلیون تومان میشود و يك میلیون و پانصد و سی هزار تومان هم برای مخارج متفرقه باقی می ماند در عرض مدت سه سال از اجرای تدابیر مذکوره مستقیماً یا مع الواسطه بین شش و هشت میلیون تومان سالانه عاید دولت میگردد \*



و نیز این فخره را هم سفارش نمودم که دولت باید قانونی برای تسهیل کشیدن راه آهشای ذیل در اوقات مقتضیه « و با دادن امتیازات مناسبه برای کشیدن آن خطوط » تویب دهد که بتدریج یا یکباره شروع شود \*

اول خطی از صمدیه به خرم آباد و از آنجا تا همدان دوم خطی از خاتکین بکرمانشاهان و از آنجا نیز تا همدان سوم خطی از همدان بگزویں چهارم خطی از بندر عباس بکرمان و بعد و از آنجا تا طهران و شعبه از آن به اصفهان خط پنجم از موشهر تا شیراز و اصفهان ششم از جلغا و تبریز تا زنجان و قزوین و طهران و شعبه از قزوین به بنا در بحر خزر هفتم خطی از زنجان بهمدان خط هشتم از بندر عباس تا شیراز \*

و همچنین تاکید نمودم بجهت وضع « و اجرای » قانونی برای منع و جلوگیری عمومی از احتکار غله و سایر ما بمحتاج محاشیه مردم \*

بطور تخمین معین کرده بودم که از اجراء قوانین مالیات و عوارض فوق ممکن بود سالانه مستقماً و جنباً بنج میلیون تومان اضافه مالیات بدولت برسد در صورتیکه هیچ گونه تحمیل و تکلیف تاقی هم بآنها وارد نمیشد \*

علاوه بر این عالی دو میلیون تومان هم بواسطه خریداری و قطع وظائف منفعت و پس انداز دولت میگفت \*

می ام سیدامیر « ششم سوال ۱۳۲۹ » هیئت وزراء جمیع بدایر و نقشه اصلاحات مرا تصویب نموده و خودم هم مشغول بترتیب دادن مواد قانونی لازمی بجهت تقدیم ب مجلس بودم که اولت بانوم های دولت روس شروع شد \*

مسئله وظائف یکی از ادله غریبه بر بی نظمی مالیه ایران می باشد که دولت بموجب دفاتر غیر منظم از منته مخدانه وزارت مالیه مشغول و مجبور بود مراسله تقریباً بعد هزار نفر اشخاص بوظائف الحلال اتمک و جناسا معاول سه میلیون تومان بدهد \*

قسمت نموده آن وظائف بسیار غریب از ازمه سلاطین سالفه ارتقا بدولت مشروطه مداخله نموده و بعضی وظائف را هم مجلس عالی و سایرین اعطاء نموده بود یعنی بکما اینکه نسبت به تحریکات ملی خدمت نموده و یا بوره کسانیکه در راه پیشرفت مشروطه جنگیده و کشته شده بودند \*

در ازمه سالفه اگر کسی سلطانرا در موقع منقضی بواسطه استعاض یا تطیفه های نفز خود مسرور و بساخت و یا یکی از درباریان سالیس و تجدیدی از پادشاه بمنمود مورثا

مطالبات يك ياك (در چند ده) در باره مبالغ بعنوان عطایات خسروانه اقطاع و بجزئی  
 میشد و یا اینکه اسم انشخص را در فهرست اسامی در پاربان داخل نموده و فلان قدر  
 صد یا هزار تومان یا فلان مقدار خروار کسبم یا جو یا گاه بعنوان وظیفه سالانه در حق  
 او برقرار میگشت و بعضی اوقات هم کسانی که مصادر خدمات حقیقی عمومی بوده وظیفه  
 می یافتند مقام پیشخدمت شاه دارای وظایف موروثی بودند که از آباء و اجدادشان بارش  
 به آنها رسیده بود تمام اعیان و ارکان دولت موظف بودند هیچ ولایت یا ایالتی نبود که  
 فهرست و دفتر مخصوص وظایفی از خود نداشته باشد بی شبهه طهران از همه ولایات بیشتر  
 وظیفه خورد داشت و نه عشر ( نه دهم ) کامل وظایف مزبور در تقابل خالص بود \*

دولت مشروطه بهیچ قسم نمی توانست همه یا قسمت عمده از آن وظایف را امضاء و  
 عمل بدارد ولی وزراء مالیه از منته مختلفه برای جلب خاطر مردم و حصول مقبولیت عامه  
 یا بلاحفظه منابع شخصی خود آن وظایف را فوراً امضاء و قبول مینمودند چون بروات  
 وظایف سالانه با احتیاط و دقت تمام صدور می یافت و بعد از تحمل زحمت و مشقت  
 بسیار ممکن میشد که در خراته تبدیل به نقد ( یعنی وجه آن وصول شود ) صاحبان وظیفه  
 برایگان همیشه برای کسر و تخفیف وظیفه خود حاضر و راضی بودند اکثر اتفاق افتاده  
 است که مقدار اصلی وظیفه خود شان را از فرار صدی پاره (تومانهای می شدایی) می فروختند  
 حده از صرفان جز و بعضی اوقات هم بخیار معتبر بودند که بروات وظایف را تقریباً بهیچ  
 خریدار و برای وصول و محصلین « وصول کنندگان » کار آزروده و وظایف می سرداند  
 محاصلین موصوف پس از آنکه مقدار معتد بهی از آن بروات را جمع میکردند حده از زمان  
 در مردان بریشان بسیار فقیر بینوا را اجبر می نمودند که اطراف تحویل خانه خزانه ایستاده  
 و آه و ناله و فریاد بکنند و بسینه های خود کوبیده و موهای شانرا کندن و بر خاک  
 بتلظند مثل اینکه ( از گرسنگی ) ضعف نموده اند در آن حال قبوض و بروات را بجانب  
 آسمان بلند نموده دعا و الیاس میکردند که خداوند خود و اطفالشان را از فاقه نجات بخشد  
 بعضی از زنها هم اطفال کوچک را با خود آوردند مادر طفل خود را بر زمین می انداختند  
 مثل اینکه از شدت فاقه و گرسنگی در شرف موت اند در صورتیکه آن « آکترها و  
 آکتر رسا » روزی بچند پول اجبر شده بودند که آن منظره را نمایش دهند \*

ولی وزراء مالیه بی پروا بتناهای آن گونه سناطر هادی شده و ابتداء اعتناء و توجهی  
 به ایشان نمی نمودند مگر در صورتیکه احتمال ( تسلیفی ) شورش سختی میرفت \*

تأدیه آن بروات و ظایف و مستمریات بابت همان سنه جاریه و سنوات ماضیه از جمله وظایف و تکالیف مخصوصه و اقتدارات لطیفی بود که از حدیث خزانه داری کل قسمت و نصیبه من شده بود \*

محمد نقر وزیر مالیه<sup>۱</sup> از منته مختلفه بودند که با کمال سهولت بروات مر بوره را بقیمت هر « داری » بیست سانت (نومانی دو قران) خریدند و منتظر موقع مناسب بودند که هر وقت از حسن اتفاق چند هزار تومانی در خزانه جمع شود مقدار اصلی آن بروات را محسوب و دریافت دارند از تکالیف آنگونه قیامح و تقیبات موجب بدامپشان شده بود حتی در خود ایران (که آن قسم کارها را باعث بدنامی نیدانستند) اسباب بصد آ آمدن سایر وزراء و صاحب منصبان دیگر که در آن کار شریک نبودند میشد \*

هیچ امیدى نبود که آنقدر پول فراهم شود که بتوان آن وظایف را پرداخت بقدری ما بین مردم اغراض و مخالفات با تسع وظایف بود که محاسن نساوست اقدامی نماید \* چون تسخ و قطع وظایف بکرتیه ممکن نبود من ان نقشه استخلاص وظایف و مسوده قانونی که حاوی خیالات بود مرتب نموده و بدولت تقدیم داشتم ولی دولت و زوای اعشقه مر بوره را مذوی و وقتاً اجراء ان را بناؤخر انداختند در حالیکه جزیره ان نقشه را بظرف و کلاه رسانید و مستغول مذاکرات موافقانه بودیم که خوفان سیاسی شروع بحرکت نمود « استامبولیک » کالی لازم بود که پایه ان نقشه را برانند صمیمی بگذارد \*

مختصر اینست که باید دولت وظایف را پس از امتحان صحت باسناد خزانه بخرید معادل مبلغی که صنعت سالانه اس از قرار صدی پنج معادل با نصف مبلغ وظیفه اصلی باشد در صورتیکه مقدار وظیفه جرئی باشد که پس از انقضای چهل سال اصل آن مبلغ پرداخته شود ولی در صورتی که مقدار وظیفه زیاد باشد باید بقدری خریدند شود که سود سالانه آن باختلاف موارد (یعنی نسبت یکم و زیادى مقدار وظایف) تا باریع میزان اصلی مطابق شود « مثلاً کسیکه سالانه صد تومان وظیفه یا مستمری داشته باشد دولت وظیفه او را بقدری از اسناد خزانه بخرید که صنعت سالانه اس از قرار صدی پنج نصف مبلغ اصلی باشد یعنی معادل وظیفه ده سانس که هزار تومان باشد بخرید که سودش بنرخ صدی پنج پنجاه تومان که نصف اصل وظیفه میباشد و وظایف یا صد تومانی را بنرخ صدی چهار بخرید که سود سالانه اس دو بیست تومان و معادل تا دو خمس وظیفه اصلی میشود هر ربهای هزار تومان یا بده هزار تومان خریداری نماید که ربع صدی سه سالانه اس میدهد تومانی

و معادل با کثیر از ثلث وظیفه اصلی باشد و مستحق بهای دو هزار تومان را به بیست هزار تومان بخرد که سود سالانه اش نوزده صدی درویم پانصد تومان که معادل با ربع وظیفه اصلی شود و در صورت زیاده و تقیصه مقدار وظایف از مبالغه مر و ضمه فوق همین نسبت مقدار نرخ و مبلغ تغییر پذیر خواهد بود از یغانه سپید راه حرمت مرحوم صنایع الدوله و بیست دوره اولیه دارالشورای ملی که روانش تساد باد کرامت همین خیالات عالیه و نقشه های استخلاص دولت از نکتت و حصول اطمینت و آسایش عمومی و از زیاد ثروت و رواج تجارت و تکوین زراعت و توسعه صناعت و انتاعه معارف تولید شد و در مجالس هدیده با ذمه محسومه شایع و صحت بنیاد فقرات مزبوره را هم مدلل و ثابت داشته بابه هوش و ذکاوت و علم و فضل و دیانت و اخلاق و وطن پرستی آن راد میرد مسلم خودی و بیگانه و برتر از حد بیان و تحریر است نهایت آنکه ایستان مستر تومس ابرانی بودند بعضی از مواد فوق را هم برای مزید اطلاع عموم طبع و مجازاً اتاعه دادند ولی [۱۱] «گوش اگر گوش من و ناله اگر ناله ۱۰۰۰ - مترجم \*

لازم بود دولت معادل بیست و یکلیون و پانصد هزار تومان اسناد خزانه شایع نماید که ربع سالانه اش (به نرخ صدی الح) یک میلیون و هفتاد و پنج هزار تومان میشد در عوض سه میلیونی که بابت سالانه بوظیفین بدهد دولت بکمال سهولت میتوانست مسئولیت این ترتیب جدید را بعهده گرفته اهدت و فیحقی باسناد خزانه بدهد که هیچ گونه بی انصافی و ظلمی هم در حق صاحبان و طایف نشده باشد زیرا که به استثنای امتخاص مفقود مقدور و کسانیکه قمار بجهول نتیجه (که پول نقد خود را به امید نفع موهوم صرف میکنند) در تحصیل و وصول و طایف به هیچ وجه حواری بیشتر از ثلث اربع و طایفه اش نمیرسند و نانی بجهیب اشخاص واسطه و محصلین میرفت \*

یک هدیه دیگر که در اجراء نشده بود متصور بودی این بود که معادل کتبری اسناد دولتی در معاملات ایران رواج می یافت چه که اسکاس (بوت های بانک) و مسکو کانت نقره کلبه برای معاملات و احتیاجات داد و ستد کافی بود \*

و در بعضی صور خرج حمل و نقلی پول های ایرانی از طهران بتهرها و مراکز ایالات و ولایات داخله از صدی هشت تا صدی یک کمتر شد و علاوه بر این دولت مجبور بود که خسارت (تاوان) ضرر اسکاس هائیکه با پست حمل و نقل و مفقودی شد تحمل نماید و همچنین پولهاییکه بانکها از جای بجای حمل و نقل می نمودند در صورت مفقود

شدن دولت مسئول نادیه خسارنش بود \* مترجم \*

رواج آزادانه آن قسم اسناد خزانه باعث اعتماد و اطمین مردم و جاری شدن اسناد دیگر میشد و به بعضی اعتبارات در مواقع بالایی هم کما بیش در بازارهای خارجه بفرس می رسید \*

تقره موجود گهرکات یادگار سندیده است از صداقت و خلوص همسایه شمالی ایران چون نرخ و مفادیر گهرکی آن بین دولت ایران و دول اروپا معین شده بود بدون رضایت ایشان تغییر پذیر نبود فهرست های تقره مزبوره در زمان مسیونوز صاحب منصب و رئیس بلجیکی گهرک ترنیم یافت مسیونوز با اینکه مستخدم ایران بود در تحت حمایت دولت روس بلکه یکی از مأمورین و کانتینگان آن دولت بشمار میرفت چنانچه سایر هموطنانش مستخدم در ایران هم دارای همین شرایط می باشند بلکه شاهد میلان روس دوستی مسیونوز اینست که تقره جاریه را بنسب ترتیب داده بود که بکلی بر خلاف صده و صلاح و مضریقواید ایران است و بعدی منابع و اغراض روس مفید می باشد که در نظر کسیکه «ایرانیان» برای آنها ترتیب داده شده بود از محسوس ترین و بی حاصل ترین تقره های عالم بشمار میرفت \*

نقص بزرگ آن تقره «و حال آنکه حاوی منابع روس و ضرر و حسارت ایران بود» این است که بعدی از اندازه اعتدال خارج است که بخارجی که برای محافظت از قاچاق سرحدات یادآور که در تکمیل شده خیلی بیشتر است از گهرکی که از آن امکه بدولت و اصل میشد (۱) در موردیکه فرخ گهرکات بانضاعاف شود موافقی و اعتدال انصاف

(۱) و قیسه استاتستیک واردات و صادرات سنه ۱۹۰۹ مراجعه شود ایران اعتدال تقره بخوبی کشف خواهد شد کلیه واردات و صادرات در آن دو سال با هشتاد و یک میلیون و سیصد و نود و پنج هزار و چهار صد و هفتاد تومان ۵۸۱۳۹۵۴۲۰ و گهرکی که از آن عاید دولت گردیده بود سه میلیون و شش صد و سی و چهار هزار و سی و دو تومان «۳۶۳۴۱۳۲» بود که کمتر از صدی چهار و نیم باشد \* صادرات و واردات امته روسی و ایرانی «بسی امته» که از ایران بروسیه و از روسیه به ایران حمل و نقل میشد در آن دو سال موزی جهل و حسرت میلیون و نهصد و ده هزار و چهار تومان «۵۲۸۹۱۰۴۰۴» بود که بیشتر از نصف کل است \* فرخ گهرکی امته و مال انجاره روسی بسیار کم و ناقابل است \* در بزرگترین امته روسی که بایران وارد میشود تکر است که گهرکی صدی سه می باشد و همین «نفت تصفیه شده» که گهرکی صدی نیم می باشد \*

کامل و صرفه «حق» تجارت به داخله و چه خارجه بوده و بیکال سهولت عایدات منظم  
ثابتی بدولت تواند رسید. بلی این تعرفه که مانند آوارس ملت فی تجر به و مخوس باور  
ایران از رود آمد نتیجه مشورت با مستشاران اجنبیه مانده بود. اعتراض شخصی آن  
مستشاران محض اینکه صرفه و صلاح ملتیکه آنها را مستحکم کرده بود بنگار برده نبود توجه  
ملت را بطرف دیگر معطوف داشت (کردند هر چه را که خواستند) ترتیب تعرفه مزبور  
در تحت ریاست مسیو نوز تراهد خوب و ذابیل منقحی است برای اشبات «جوهر خه و مسیت  
و روح حقیقت» دوسنی که حکومت بطر مبارک از بارده مال قبل به این طرف بجا لاکتی  
به توان موجب از دیاد تعلقات و روابط با ضعف ترین حواهر خود ایران اظهار مینمود  
ان تعرفه که فقط برای از دیاد منافع و صرفه دولت روس ترتیب داده شد کویا دولت  
انگلیس را با اینکه چشمهایش برای جلب هوایت تجاری باز و گشاده بود و از هر طرف  
مواظب حفظ صرفه و صلاح خود بود بخلعت انداخت یعنی چشمهایش را بست چون  
انگلیس ها مسیو نوزی از خود نشان ندانسته و یا مرض کمی اقتدار و نفوذ مبتلا بودند  
بجور شدند که آن شرح دواوی چوتان زنده تعرفه را که روسها مرتب و بدست آنها داده  
از درد و عطسه آخر سر کشیدند و نوش جان فرمایند نتیجه این شد با اینکه همه اعتراف  
و تسلیم دارند که تمام اسام امته و مال التجاره روسی باستانی خاویار «نقم مایه» است  
نزد باقایی ترین امته ها است با این حال تجار روسی کابنه تجارت نصف نام لاط شانی  
ایران را به تصرف خود در آوردند این نفوق و غلبه تجارت روس بر تجاروت سایر ملل  
بواسطه پیروی نمودن از آن مسلک پوسیده و طریقته مندرسه قدیمی روس است که  
امته که از اروپا به ایران حمل و نقل میشود سر بسه «پندون گمرک» اجازه عبور ندهد \*  
تقریباً هیچ يك از دولت معنده عبور مسلکی را در باب عبور مال التجاره از مملکت  
خود منصفانه رعایت نموده اند وجود چنین مسلک در روسیه مستلزم این شده که مال  
التجاره را از راههای دور و دراز و عرق سعب العبور و خطرناک کاروانی از پاندر  
حالیج فارس حمل و نقل نمایند. تجار امته انگلیسی و اذاع خارجه اگر بخواهند مال انحصار  
خود را از روسیه عبور داده بشال ایران وارد نمایند چاره زای ایشان جر این  
نیست که باز گران گمرک روس و تأخیر و اختلال مأمورین گمرکی روس را  
تحمل نمایند \*

بسیار جای تعجب است که دولت روس از اختیار عبور مسلک طمانانه جا پزانه و خود

خواهانه خطای خود را ملتفت نشده است. یکسال یا چندین قبل دولت روس دفعه ملتفت شد که یکی از اعضاء کنگره کان «ماهده» است بین المللی خود اوعی باشد بموجب معاهده «سربوره» بسته های پستی «کنی پستال» که از روسیه «یا سایر ممالک چنانچه همه بجا معمول است» عبور می نماید باید سر بسته گذشته و از حقوق کتوکی معاف باشد نتیجه این سهو نظر و خطائیکه از روسها سرزد اینست که امروز مقدار عمده «مال التجاره» «اروپ» بصورت «کنی پستال» از روسیه عبور نموده و روز افزون وارد ایران میشود این مسئله پیشتر اسباب تغییر و شرمندگی «مؤدین و تجار روسی» شده است \*

از سی سال قبل پان طرف بتدری خسارت و نقصان بشوخط اجانب به ایران وارد آمده که امروز درهای «ماهدات» و اختیارات تعیین شروط آن و استقراض یا حتی اصطای امتیازات و اتحاد انکی برایشان مسدود و اختیاراتشان مسلوب گردیده است همه آن حقوق به اعضاء سلاطین و وزرای متقلب خود خواه از ایشان ساقط شده است. رای اینکه در ضرر و نقصان ملت بزرگاریهای خود شان نائل شده باشند روسها همیشه دلال هرزگیهای سلاطین ایران بود و همیشه به آن سیاه مستان «بد مستان» مدعوتر شرابهای «رم» می بینوده تا حقوق مؤدورق خود شان را بر اینگان بنروشد. ازات از دیاد نفوذ اجانب از این روش که امتیازات بی دربی از دولت گرفته تا حدیکه تمام منابع و سرچشمه های منابع و عایدات دولتی را به قسمی بروی ایرانیان بستند که امروز دولت ایران عدوت بجهاب «منفعت قلبی هم از ملک خود ندارد» \*

شروع مملکت روسی از زمان انحصار معروف «خانبات» در سنه ۱۸۹۱ میلادی «مطابق ۱۳۰۸ هجری» شد. از آن به بعد امتیازات راههای آهن و معادن و نفت و غیره و استقراضات متوالی بود که واقع میشد اگر ایران بخواهد یکی از ابواب ترقی را بروی خود مفتوح سازد. فوراً در این سلاطین سالفه را بیرون آورده و دولت را از مداخله در حقوق حقه خود محروم و مجموع ساخته و دعاوی ملیونها که از حد انحصار خارج باشد بر خلاف اقدامات دولتی اطهار می نمایند. رعایا و اتباع دولت روس هرگونه ادعائی بکنند حق خواهند داشت زیرا که دولت روس حمایت آشکار و کمک های رسانه از دعاوی اتباع خود میکند. یکی از معاذیر و شروطیکه دولت روس برای منع از وقوع استقراض چهار میلیون «ایره» اطهار نمود و من راسی متقدم این بود که بانک استقراضی روس در

طهران که تبعه بانک دولتی روس است باید حق نظارت در مصارف آن وجه استعراض داشته باشد تعویب نمودن دولت ایران آن رای را مثل این بود که روس را به سلطنت و حکمرانی ایران دعوت کرده باشید \*

و شبیه شروع باصلاح امور مالیه نمودم علاوه بر چهار صد و چهل هزار تومانیکه خود شان بعنوان مساعده استعراض پیشگی گرفته بودند مأمورین ادارات بزرگ سرکری و ولایتیم چند ماه بود که حقوق نگرفته بودند و غایبگان (۱) «دیه لوماتی» ایران هم که در ممالک خارجه بودند سالها بود که مواجب به آنها نرسیده بود و از ایشان متوالبا مکتوبات جانگداز و اظهارات دلخراش میرسید که در «اروپا» گرفتار پریشانی شده و کبر کرده بواسطه نبودن کاپیتان نمیتواند خود را به ایران رسانند و فقط چبه و حیثیت «دیه لوماتی» شان آنها را از حبس و توفیق شدن محفوظ میداشت \*

اگر چه برای معاونت دادن اعتبار از دست رفته ایران بین اجانب سالها لازم بود ولی با این حال نهایت کوتیش و اهتمام را نمودم که در تمام مدتی که رتی و فنی امور مالیه

(۱) وقتی که شروع بکار نمودم یک دینار نقد در خزانه دولتی موجود بود و مبلغ غیر معینی هم برای تادیه حکما و حواله جات دولتی و پروات خزانه وغیره که وزیرای سابق و لاحق صادر کرده بودند لازم بود \* با وجود جنگ داخلی که از ابتدای سنه ۱۹۱۱ میلادی «مطابق سنه ۱۳۲۹ هجری» در کار بود در سوویتیکه فقط برای مصارف لوازم جنگ یک میلیون و نیم تومان لازم بود و با وجودیکه مالیات هم بواسطه اغتشاشات از ولایات بسیار کم وصول شد مبلغ چهار صد و چهل هزار تومان که پیشگی از بانک گرفته «و تقریباً عمده بودند» داده شد \* و وجوه لازمه که برای گردانیدن دوایر دولتی اهمیت داشت فراهم شد و حقوق سفرای ایران تماماً پرداخت شد و جمیع مسئولیت های خارجی «همی تادیه اقساط فروص و مباح ان که برای رفع مسئولیت ایران لازم بود» ادا شد و فقط منفعتی که عاید دولت گشت این بود که پس از تادیه قروض متبدله «یعنی قروضی که از عناوین واسامی مختلفه باستعراض اخیر بدیل شده بود» و پیشگی مانیکه به اعتبار آن فرضه گرفته شده بود مانضمام تادیه اصل طلب بانک شاهنشاهی حد از همه این مصارف تقریباً دو میلیون تومان از آن فرضه باقی بود وقتی که در ربویه ۱۹۱۲ تمام امور خزانه و محاسبات را تمویل و رد نمودم بیشتر از شش صد هزار تومان حره جمع نقدی دولت آمد علاوه فاصل عایدات کرکی داسیزدهم ژانویه ۱۹۱۲ بیست و دوم محرم ۱۳۳۰ \*



را در دست دارم يك حواله يا چك با براتی را امضاء نکنم مگر آنکه اول محل فاده‌اش را معین و بارجا نموده که در اس موعده پردازم هیچوقت هیچ جکی که خزانه دار محضا و قبول نموده بود نکول نشد و فنی که اهالی استحکام اعتبار امضا و قبولی خزانه دار را ملتفت شدند بدرجه اطمینان نمودند که اسناد و چکهای خزانه را بجای اسکاس قبول و ضبط می نمودند و حال آنکه حواله سات و پروات سابقه مالیه را آتی نداء نداشته و فوراً بقیست الزل می فروختند در حراته که در تحت نظارت ما بود قطع معدودی دفاتر بود که دولت در تمام مدت عمر خود آنها را ترتیب داده بود میزان دفاتر مزبوره با صورت حساب بانک های مختلف که با خزانه طرف حساب بودند مطابق بود يك دفتری هم سراب و معین شده بود که کلیه عایدات و مخارج دولتی را بنماید ولی دولت هیچ گاه همی صورت کلی یا میزان دخل و خرجی نداشته و مایل بدانشتن آن هم نبود \*

زمان کمی پس از شروع بکار دایره تفیش سرری شکل داده بودم سرکب از اعضاء ایرانی که مکر و حیل و خیالات تقلب آمیز مستفادین خزانه را تفیش نماید دایره مزبوره همیشه از نژاده خیالات محرمانه اعضاء ادارات مختلفه دولتی سرابی آگاهانید \*

طریقه مسکوکات ایران بسیار ساده است مسکوکات طلا چندان در معاملات رایج بوده و مسکوک شایع عمومی همان قران است که موازی باه « سات » امریکا یا چیزی کتر است هرده قران يك تومان است ولی مسکه آموانی رایج بیست بررگزین مسکه رایجه دو قرانی ( و فتح قرانی نقره ) است \*

بانك شاهنشاهی ایران که سرکب از هیئت کهای انگلیس است بوجوب امتیاز ترویج و اشاعه اسکاس را بنمود انحصار داده و با قران مبادله میکرد \*

تا چندی قبل حکام ولایات ایران يك اسم قران بسیار در صورتی مسکه میزده اند که مثل گویند این شده و نقره ر ناری بود « سیستم » ( ساخت ) ماشین و کارخانه ضراب خانه دواتی واقع در « خارح » طهران بسیار کهنه و مرده گردیده و مشرون بهره نبود کارخانه مذکور و نتیجه اسبابش از همه جهت کاملاً جمع و مینا بوده و معظم کارمی نمود ماهی هفتصد هزار تومان میتوانست مسکه بکند \*

مسئله امتداد و پیشرفت خط آهن در ایران مسئله بسیار عارض و پیچیده است روس و انگلیس - مطوطی را طالب می باشند که مناسب با صرفه چسکی و امراض نظامی شان بوده و با باعث سبیل تجارت مخصوص خودشان باشد بدون تم و ترقی مانع

اقتصادی ایران یا توجه به پشت جامعه آن عقیده اشخاص در طرف دربار و ایجاد خطوط ابتدایی مباحه این است که باید خطی تقریباً از جنطای (۱) روسیه شروع شده و از مکرز و زنجان و قزوین و همدان و خرم آباد گذشته به محمره که در ساحل خلیج فارس است منتهی شود این بزرگترین راهی خواهد بود از شمال به جنوب که از نقاط پر حاصل و زرخیز مملکت عبوری نماید و باعث از دیاد منافع اقتصادی نوری تواند شد و ممکنست شعبه های کوچک مثل از قزوین به طهران و غیره به آن اتصال داد من معمم بودم که از دولت ایران استدعا نمایم که قصد خود را برای کشیدن قطعات کوچک خط آهن اعلان نماید و اجازه استقراضی بدهد به سندیکتی (Syndicate) یعنی هیئت شرکائی که سرمایه آنها شخصی باشد همچو خطی بدون شبهه و تردید بسیار دافع بود در صورتیکه خود دولت مباشرتاً بهر آن باشد خطوط دیگر که ذکرش مابقی گذشت بتدریج در مواقع مناسبه ساخته می شد و اهمیت فوری نداشت \*



«\*» باب دوازدهم «\*»



«\*» خانه (وقایی که پس از حرکت مستر شوسار «\*»

( و معاونیش از ایران بظهور پیوست باصنام بعضی وقایع منفرد دیگر )

وقایی که پس از حرکت خود و معاونین اسیریکالیم از طهران بوقوع پیوست طوری افسوسناک است که پیشد غیر از آن را از دوانی که سرکب از هیئت اشخاص وطن فروش

(۱) ناحیه که موسوم به جانا است از نواح آذربایجان هوز جزء مملکت ایران بشمار است مگر اینکه گفته شود جلای روسیه قسمتی از نواح حلفای ایران بود که دولت روس جزو مملکت خود گردانیده است \* مترجم

باشد تاوقع بود مسیو مورنارد (۱) صاحب منصب بلجیجی گمرک که بر حسب خواهش سفارتین روس و انگلیس از طرف کابینه مأمور به تحویل گرفتن محاسبات و دفاتر خزانه شده بود روز بعد از حرکت من از پای تخت نزد مستر کرز معاون خزانه دار آمده و حکمی از هیئت کابینه ارائه نمود که بقیه السیف صاحب منصبان امریکائی را تهدید به عزل و جرمانه می نمود در صورتیکه دفاتر را فوراً تحویل ندهند و سهل آنکه خودم از

(۱) مسیو مورنارد در تمام آن معاملات برای اظهار خصومت و بد نفسی خود و برای نیل بمسئولیت امور خزانه لکنه را فرو گذار نگذرد و موقع را از دست نداده تا عاقبت یسعت خرابه دار موقتی معین شد \* اگر چه خود او به الحاق کلمه اخیراً این منصب راضی نبوده و تن نیداد ولی عاقبت الامر راضی شد که برای رسیدن باسم خزانه داری بگیرد هر چه را که برسد و بهر عنوان که باشد \* مسیو مورنارد پس از تحویل گرفتن خزانه ظاهراً برای تلقی و خوشامد حکومت سن پطسبرگ مکتوبی به لجنه فرستاد که در پی از جرایم درج شود \* در مکتوب مزبور نکهه حیثی و تنقید نموده بود از وضع اداره کردن امریکائی ها امور مالیه ایران را و ایمانی «بر بزه خوانی» هم کرده بود که دوملیون فرانک در محاسبات جاریه خزانه با بانک های مختلفه طهران مفقود شده و محل خرجش غیر معین است \* نظیر همین اظهارات را هم بوقایع نگاران روزنامه های پای تخت روسیه نموده و بایشان نوشته بود که امریکائی ها را که در ایران اتی مانده اند توقیف خواهد نمود تا توضیح آن مسئله داده شود \* و نتیجه خبر آن اتهام در آمدن بمن رسید فوراً بیانات او را تودید نموده و این جرم را هم بر آن افزودم که مشار الیه فقط آنکست دست روسهاست و هیچ ربط و املاعی از طریق اداره نمودن مالیه ندارد \*

روزی که از طهران حرکت نمودم از حقیقت محاسبات جاریه خزانه یا بانک ها کاملاً مطلع بودم \* می توانم تصور کنم که چه جبر مسیو مورنارد را را دانست که سرا بمیدین تهمتی متهم نماید نه اینکه فقط محل و دروغ بلکه خلاف احلاق هم بود \* چندی بعد ملتفت شدم که سبب اصلی آن خطای مصحح مشار الیه لکه گذاردن و ندانم کردن امریکائی ها در ایران و جلوه دادن درست کاری خود در انظار روسها و جرابت بطرسبرگ بوده است وقتی که مسیو مورنارد و کابینه ایران امریکائی ها را از مسئولیت امور خزانه سبکدوش گردانیدند از محاسبات جاریه دولت ایران با بانک شاهنشاهی معادل چندین هزار تومن که بانک مزبور بعنوان مساعده بموجب صورت حساب جدا گانه داده بانی مانده بود \* مقایله

چندین هفته قبل از حرکت کوشش وجد وجه کرده بودم که کابینه را جهت  
 طریقه و دستوری برای تحویل دفاتر و محاسبات خواه معین کند و چند روز  
 حرکت هم انبثال مشاغل خود را پست گرفت و رسماً به کابینه اطلاع داده بودم تا مشورتی  
 هم حاضر و مستعد شده بود که تمویل بدهد دیگر در هیچ صورتی استعمال آن نهد  
 غیر متوقعی که امریکائیها اظهار تنفر و عدم رضایت از آن میکردند بسیار بی موقع بود  
 وقتی که سراسله مرقوره در حضور مسیومورنارد خوانده شد تمام ما مورین امریکائی  
 بیشتر اجتماع از دفتر خراشه خارج شده و اظهار نمودند که دیگر هیچ گونه کاری با مسیومورنارد  
 یا کابینه نخواهند داشت مستر کرنز بعد از آن واقعه پروتست کبلی بهر دو سفارت  
 و وزراء ایران که آن طریقه جسورانه را اختیار نموده بودند فرستاد وقتی که سفراء  
 مثبت شدند که رفتار وزراء از حد تجاوز نموده بود به کابینه اطلاع دادند که آن گونه  
 حرکت صحیح نبوده هیئت اخیره الذکر یعنی کابینه بوضع معمول ایران فوراً سراسله  
 مثل همان سراسله<sup>۱</sup> اولیه جعل کرده و برای مستر کرنز فرستادند اظهار دانسته بودند که  
 اصل سراسله که توسط مسیومورنارد فرستاده شده آن بوده است در عبارات سراسله  
 ثانویه نه تمهیدی و نه عبارات خشن نامالایی بود \*

باری مستر کرنز بلاحفظه آن مسلك صلح جوانه<sup>۲</sup> وزراء مسئله پروتست را مسکوت  
 عنه گذارده و با سفارتین روس و انگلیس که امور کابینه ایران را علانیه و آشکار در تحت  
 نظارت خود در آورده بودند مذاکره حرکت و مراجعت بقیه<sup>۳</sup> ما مورین مالیه امریکائی

این مبلغ اسبی<sup>۴</sup> که صرف اسم و حقیقت آن معلوم نبود « سیصد هزار تومان طلب خزانه  
 از بانک استقراضی روس بود آن مبلغ از بابت فاضل عایدات شش ماهه گمرک بود که  
 بر حسب شرایط استقراض روسی نود و شش ماهه یعنی تا آخر سال روسی مطابق سیردهم  
 رانویه ۱۹۱۲ ختم میشد \* مبلغ در یور معاً و حقیقتاً تا دو روز بعد از حرکت من از  
 طهران بجمع دولت پیامده بود و این مبلغ حاصل سایدات گمرکی بود از شش ماه قبل از  
 حرکت \* و در مقابل آن بانک تاهمتاهی هم آن وجه مساعد و پیشگی مذکور را داده بود  
 مسیومورنارد پس از آنکه زمانی از تحویل گرفتن خزانه صورت حمدانی که مابین خزانه دار  
 و آن بانک تاهمتاهی هم بعضی مطالبات غیر موادی را که از زمانه درازی مطالبه میکرد  
 و معادل سیصد و پنجاه هزار تومان میشد مطالبه « و جزو صورت حساب » نمود و دعای  
 مطالبات سابق الذکر از جدی قبل از شروع من بشغل خزانه جاری بود و چندین مرتبه

را در میان آورد. بر حسب خواهش وزیر مختار روس امریکائیها راضی شده که توقف نموده و بلجیک را در تحویل گرفتن و تفویض امور خزانه معاونت نمایند ولی بشرطیکه رعایت کاملی از مواد معاهده که بین دولت ایران و امریکائیها شده بود بعمل آید چون هیئت وزراء سرگرم و تمام همستان مصر و بفرصت سازمان بود سر تکب آن اشتباه نشده بودند از آن به بعد سعی نمودند که از نقشه و طرح سلوکی که وزیر مختار روس برایشان

هم رئیس کل بانک مقدار سرور را مطالبه نموده ولی وقتی که حالت حاضر آن زمان خزانه را برای او شرح داده و ملتفتش گردانیدم که خزانه در این موقع نمی تواند این گونه مطالبات را ادا نماید راضی شد که حذی مطالبه نکرده و معامله را مسکوت عنه نگذارد ولی بجزدیکه امریکائیها از مسئولیت امور خزانه خارج شده و مسیو مورنارد اختیارات را بدست گرفت چون بانک شاهنشاهی اطمینانی باو و به طریق اداره مالیاتش نداشت تمام دعای مطالبات مذکور را در جر و محاسبات دولت ایران محسوب و بخرج دولت آورد \*

اگر چه در بانک دیگر این گونه رفتار نمی نموده بشمار است ولی از طرف دیگر بانک هم برای وصول دعای خود چهاره جر آن نداشت وقتی که مسیو مورنارد صورت حساب خزانه را از بانک خواست بانک در جزو صوریکه فرستاده بود مبلغ مبلصد و پنجاه هزار تومان مراده و پیشگی را هم محسوب داشت تصور این امر حندان مشکل نیست که وقتی که مسیو مورنارد و سرکار بلجیکش صورت حساب بانک را با داتر خزانه موازنه و مقابله نمودند ملتفت شدند که اختلاف حساب بیش از چند هزار تومان نبوده (همان چند هزار تومانی که بانک از سابق ادعای نمود) صرف نظر از اشخاصی که گاردان و در امور مالی با بصیرت می باشند اشخاص معامله دان معارفی هم می توانند بانک تاملی ملتفت شوند که آیا ممکن است برای این تفاوت عمل توضیح و توجیهی قرار داد ولی برخلاف این مسیو مورنارد بجزدانیکه علی الظاهر اختلافی در صورت حساب دید برای پیشرفت اغراض کافی یافت فوراً مصمم شد اعلان نماید که صاحب منصبان امریکائی حرا دو میلیون فرانک را از میان رده اند شاید دیری نگذشت که بر خود او هم مکتوف شد که اشتباه جاهلانه می نموده نموده است از آن تاریخ به بعد دیگر چیزی علی الظاهر راجع بان مسئله از مسیو مورنارد نراوشی ننمود پس از چندی که بتوسط حرایند اروپا صورت حساب اصلی انداده بافت وزیر مالیه بلجیک در موقع ملاقات با وقایع نگاران حرایند اظهار نمود بود که همچو مراسله که نسبت مسیو مورنارد می دهند که به بلجیک فرستاده بکلی فی اصل و خلاف واقع است \*

معین نموده بتدریس سوزنی تخطی نه نمایند چند روز بعد مستر کیتز و عده از معاونین امریکائی خزانه از طهران حرکت نمودند. مستر مکاسکی که معاون دوم من و رئیس شعبه محاسبات و معاملات نقدی خزانه بود عقب مانده و همه قسم معاونت در تحویل دفاتر و محاسبات تحویل خانه خزانه بصاحب منصبان بلجیکی نمود. مستر دکی هم بامور ضراب خانه دولتی مشغول بود تا وقتیکه عوض و جانشینش از بلجیک وارد شد. خلاصه تا ماه مارس تمام امریکائیها از ایران خارج شدند بجز کرنل مریل که برحسب خواهش سفارتها راضی شد که بصحبت و عیون مشاکی ژاندارمری در ایران بماند \*

روز بعد از حرکتهم از طهران در موقعیکه مازور پرایس مشاکی امریکائی و اندامه سواره از معسکر وارد و گاه «باغ شاه» به پارک اتابک معرفت از در پیچ بی از خانهها گلوله باوزدند از سابق هم شهرت داشت که باید یکی از صاحب منصبان امریکائی گذشته شود پس از تحقیق معلوم شد مرتکب آن حرکت و تهدید از اعضاء انجمن «تورر پست» سری ارمنه روسی بوده که میخواستند به آن وسیله فواید و اغراض بلجیکی خود شان را حاصل نمایند. جمله کنندگان که چهار نفر بودند فوراً از طهران فرار نمودند بعد از چندی معلوم شد مرتکب آنها یکی از صاحب منصبان سابق ژاندارمری بوده است يك هفته پس از این واقعه آن صاحب منصب به طهران مراجعت نموده و خود را تسلیم کرد و اظهار مفصلی از نقشه آن سازش نموده و گفت که خود من در جمله پرماتور پرایس شرکت نداشته ولی آن چهار نفر ارکان این کار ته بر حسب نوعه انتخاب شده اند من شناسم و آن خانه خالی را هم که از اینجا تفکک خالی شده بود نشان داد و گفت که یا های هر چهار نفر مرتکبین را خصوصاً شخصی که حقیقه به مازور گلوله زده بود بسته بودند که فرار نکنند (یعنی فرار و ظفره از اجراء وظایفشان) و اگر تعافی از آنان می شد نمیتوانستند فرار بکنند و این نفره موثر و دلیس را هم بیان نمود که هیچ يك از آنها خصومت و عداوتی با مازور موصوف با سایر امریکائیان نداشته اند بلکه مصمم شده بودند بای نحو کان یکی از امریکائیها را کشته تا نقشه بلجیکی تازه بروی کار آید (۱) یعنی دولت امریکا را

(۱) نظریه تهرقی که در این باب نمود محرم تکبیر غرضش قلع رحشه امریکائیها از ایران بود ولی پس از وقوع این جنایت از نرس ایسکه میادا اغراض میشومه تنان از فراین مکتشف بود ان لباس بلجیکی بجهول را بر ان حرکت پوشانیدند \* رعیت روس بودن مرتکبین و سببلاص همراه صاحب منصب محروس و تبعیتش دلایل ثابتی باین امر است \* مترجم

مجبور بداحاله در امور ایران غوده شاید مفید بحال مملکت شود کاینکه آنصاحب منصر را فوراً حبس نموده و عاقبت بکار و سرانجامش معلوم نشد حقیقتاً در آن قضیه که بعد از حرکت امریکائی ها برای مازور اتفاق افتاد از خوش بختی و خوش نصیبی مشارالیه بود که آن کلویه کارگر و موثر نیامد \*

چندی بعد از واقعه انفصال و انهدام مجلس روسها مسئله «تصمیم راه آهن» (ترانس برتیا) سر تا سر ایران را که از چندی قبل بحال بحث و مملو آگوه بود دوباره پیش کشیدند این خیال و اقدام از طرف روسها صدان محول تعجب نبوده ولی همراهی دولت انگلیس با آن نقشه اگرچه افسر يك طرفه المبن هم باشد بسیار مورد تعجب است با این حال جمعی از مصلوبان انگلستان تشخصاً به پتر سبرگ رفته که در ضمن مذاکرات منافع و اغراض دیگر خود مسئله راه آهن و طریقه سرمایه فراهم نمودن و چگونگی خطوط آن را مذاکره نمایند وزارت خارجه انگلستان هم به حمایتی پیوسته خود از استان تورق و نقشه ان خط را برای آنها کشید از شمال غربی ایران تا جنوب شرقی یعنی از یکطرف بقطرپول آهن روس در جلجا متصل شود و از طرف دیگر بسرحد هندوستان الحقی برای دولت انگلیس نقشه بسیار محسوس خطرناکی بود در صورتیکه افواج روس و انگلیس سر تا سر مملکت ابرازوا فرا گرفته و یازدهای روسی در بزرگترین و زرخیزترین ایالات ایران در حرکت و اهتزاز بوده و زمانیکه شمشور و رشنه های ابریشمی و زه حلقی آویز روسی در شهر شام دیده و بلا کشیده تمیز تر کار بود دولت هند هم مسلک قدیمی خود را برای محافظت هندوستان از تعیین لرد هاردینگ (۱) بسمت فرمانروائی هندوستان تغییر داده و معتدل نمود دولت انگلیس اقرار باقتضای مناسبات ظاهری و ملاحظات متعارفی باید «از گفتگوی تعبیر همو خطی در ایران» مانعش نموده باشد از امور مذکوره معلوم میشود که دولت انگلیس از هر تدبیر و اقدام بکلی مأیوس گشته و تن در داده است که همو خط آهنی از اردوگاه و سر بازار خاند و مخزن و نور خانه «استابون» های روسی بکسره و مستقماً به سرحد ممالک هندوستان امتداد یابد و متصل شود دولت هند برای امضاء و تصویب نقشه این خط اظهار وائی که نمود فقط این بود که با کمال عنان و مال اندیشی خواهش نمود که مقدار عرض این خط در سرحد ایران با راه آهنهای هندوستان اختلاف داشته باشد

(۱) لرد هاردینگ در موقعیکه نموده: لوماسی و سمیر پلیسکی انگلیس در پترسبرگ

بود بحدی فواقص خود را تکمیل نمود که (روسوین) روس دوست محکم نایبی گردید \*

ولی قائل از این که فنون جنگی و قواعد نظامی امروزه بدرجه تکمیل یافته که ممکن است قشون و قورخانه و سایر لوازم عسکری را بکمال سهولت و اسانگی به سرعت هرچه تمامتر از قطاری به قطار دیگر حمل و نقل نمود و همین که افواج روسی بمخیال جنگت بکرتبه به سرحد هند برسند شاید اختلاف عرض راه باعث جلو گیری از پیشرفتشان نشود \*

یکی از اغراض دولتین روس و انگلیس که حلی الظاهر از این نقشه مستنبط میشود منلوح ساختن ابدی ایران و به گورقین تمام منابع مالیاتی آن بود مسبو مور فارذ در آقوت رای داده بود ( ولی نه از طرف خود ) که خدامن یعنی مسئول قمع و ضرر و خیر و ترم این خط باید دولت ایران تناخته شود این رای باندازه بی شرمانه و جسورانه بوده که نظیر آن دیده شده و دولت ایران هم هیچگاه همچو راه آهنی لازم ندانسته چه فقط همبو خطی حاوی اغراض نظامی است و ابداً نظری بصرقه و صلاح تجارت ندارد اگر دولت ایران مجبور بصانت اسناد تعمیر همچو خطی شود تمام مجاری و منابع مالیاتیش افلاً تا صد سال بمصرف مخارج این ضانت خواهد رسید علاوه بر این اگر مضار دیگر این معامله ملاحظه نمود دیده خواهد شد که مزروعات روسی قسمتی از این راه که بین جلهاء و اصفهان واقع است بجه قیمتهای گزاف فوق الطافه (مثل نفتگهای ریفیل) بر ایرانیان بیچاره تحمیل خواهد شد بهر حال اگر خط مزبور فقط تا نقطه آخری یعنی اصفهان منتهی و ختم شود نباید صرف نبودنی و غراض دل بخواهانه بسیاری برای روس حاصل خواهد شد و چنانچه تا سرحد هند وستان امتداد یابد نواید نظامی و نتایج جنگیش بزیاری دولت روس از حد حصر خارج خواهد بود در همچو راه آهن سر تا سر ایران ناچند نسل بعد نواید تجارتمی متصور نمیشد بلکه فقط نقطه نظرش بمنافع بلشیکنی و اغراض سیاسی خواهد بود و هیچگونه صرفه اقتصادی که مناسب باخرج باشد برای دولت ایران نخواهد داشت \*

(بروکرام) تعبیر « راه آهن بزکی » هم که ناسه ماه قبل دولت انگلیس بدین اشاره مینمود که باید در غل حمایت دوستانه دولتین بوقع اجراء گذارده شود از همین قبیل بود سراد وارد کوری این مسالت حد بدرا برای فریب دادن عموم ساده لوحان انگلیس اختیار کرد چنانچه آزمایش نمود مکشوف خواهد شد که نتیجه آن تدبیر سیاسی فقط این شد که معادل دو بیست هزار لیره سفارتین روس و انگلیس در طهران به آب « عروسک » باز بچپا آبکه « دولت شاهنشاهی ایران » را تشکیل داده نهد آن هم بسود دباخانه و حاتم بخانه صدی هفت در واقع کوه



را (۱) از هم پاشیده و از مابین شفاف هایش موش کوچکی بیرون آورد. شروط مفهومی پلیسکی که بمبارات موهومه در ضمن آن بکابینه قبولانیدند. نمونه اعتراض بی حقیقت وی اهلی بود. از مراسله متفق که سفارتین در هیجدهم تارس (۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۰) بدوات ایران نوشتند بی مناسبت نیست که در اینجا درج شود تا نتایجی که از معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس در آزادی و ترقی و آبادی مملکت ایران بروز و ظهور نموده بخوبی واضح شود \*

مراسله سفارتین :- نظر به استحکام روابط دوستانه و عوالم یکجبهی بین دولت انگلیس و دولت امپراطوری روس و دولت شاهنشاهی ایران و استقرار آن بر اساس و بنیاد رزین اطمینان بخش و تا درجه که ممکن باشد معاونت دولت ایران در اعاده دادن سر بلندی و نظم و امنیت مملکت خود. سفارتین روس و انگلیس بر حسب ایام دوایتین متبوعین خود شرف اظهار دارند که اراء ذیل را بدوات ایران پیش نهاد نمایند \*

اول اینکه دوایتین متفقاً حاضری باشد که برای مصارف لازمه دولت ایران هر يك صد هزار لیره ( بعنوان مساعده پیشگی ) کالوم سازی دارند در صورتیکه جواب مطلوب و مناسب این مراسله بسفارتین داده شود. بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی حاضری باشند که هر يك سلسله حساب جاری برای دولت ایران افتتاح نماید. این مسئله مسلم است و جوهی که بانک استقراضی از بابت این حساب جاری بدوات ایران می پردازد به « روبل » ( منات ) خواهد بود که معادل نصد و چهل و پنج هزار و هفتصد و پنجاه « روبل » باشد \*

(۲) مبلغ مذکور بنح سود صدی هفت سالانه داده خواهد شد محل تأدیبه اش از وجه استقراض آئینده دولت ایران خواهد بود و تمام اضافه عایدات گمرک شالی و جوتی که تا حال در این دو بانک امانت دولت بوده به تناسب سهام روس و انگلیس ( یعنی بانصافه ) بمصرف تأدیبه اقساط استهلاك و سود این مساعده خواهد رسید \*

(۳) وجه این استقراض مساعده بموجب « پروگرامی » که بیان کابینه و سفارتین تریپ یافته در تحت نظارت خزانه دار کل بمصرف خواهد رسید و این هم مسلم است که قسمت عمده اینوجه بمصرف انتظامات زائد امری دولت معاونت صاحبان سویدی

(۱) این جمله ضرب المتل و کایه از ویران نمودن مملکت ایران است برای مسفت کم

خود نظیر این مثل که ( برای يك دستمال بصر به را آتش میرسد ) \* مترجم

باید پرسید سفارتین دو تقدیم این پیش نهاد چگونه حصول و از دیار مپانه که سابقاً اشاره بدان شده امبردارانند دولت ایران خود را ملزم بشناسد که اولاً مسأله خود را ازین تاریخ به بعد مطابق اصول معاهده ۱۹۰۲ انگلیس و روس قرار دهد (یعنی منطقه هانج نفوذ را اعتراف و تسلیم نماید \* مترجم) ثانیاً غیردی که محمد علی شاه و سالارالدوله از ایران خارج شوند افواج شهر منظم فدائی را مرخص نماید ثالثاً سفارتین نقشه برای تشکیل و نظم مختصر فوج و منظم با اثری مرتب خواهند نمود \* وابعاً معاهده در باب خارج شدن محمد علی شاه از ایران (۱) و تعیین وظیفه و تأمین عموم اتباعش برقرار خواهد شد باید وایم جواب مطلوب مناسبی بیاورد \* ج \*

« سر حارج بارکلی » « یا کیوسکی کریل »

آخر کار امید و آرزوهای سفارتین بعمل آمده و در بیستم مارس ۱۹۱۲ (۳۰ رابع الاول ۱۳۳۰) یعنی دو روز بعد از وصول رساله متفقه منبوره بکابینه و زیر حارجه محرب یا کینز یعنی دوست قدیمی ما و ثوق الدوله « چون مقاصد مستندیده دولتین مجاورتین را با کمال ضعف معترف بوده مواد آن رساله را قبول نمود و امضاء کرد » قبول شروط منبوره حلقه زنجیر دیگری که ساخته شده بود برای اینکه مملکت ایران را تا ابد الله در به یکی از دو همسایه مهربان اطلاق نماید (یا رسن تازه آری بود که ایران را تا ابد امیر دام

(۱) در ماه اوت ۱۹۱۰ مطابق شعبان ۱۳۲۹ همین دو دولت بدولت ایران اظهار نموده بودند که چون محمد علی شاه مفلوح بقصد استرداد تابع و تحت داخل مملکت شده مطابق مواد قرار دادی که در سبتمبر ۱۹۰۹ (۲ رمضان ۱۳۲۸) بین دولتین و دولت ایران به امضاء رسیده تمام حقوق و وظیفه صد هزار تومانی متارالیه ساقط شده است \* با وجود آن اظهاریکه در ماه اوت شده بود دیدم میسود که همین دو دولت در هیجدهم فوریه ۱۹۱۲ (۲۹ صفر ۱۳۳۰) دولت ایران را ملهم و مجبور می نماید که دوباره وظیفه محمد علی را برقرار نموده و تا همین کامل بهسراهان و اتباع غارت کرس عطا نماید از پرتو نور این اقدامات تا حفاقه حقیقت پروتسهای مکرره روس و صدی اظهارات عده بده سر ادوارد بگری در مجلس وکلای عمومی که دولت روس همدردی با شاه مفلوح مداتسه و در اواده مضمحل نمودن دولت مشروطه و بحدک آوردن سلطنت ایران با او ترکیبی ندارد بخوبی واضح و روشن میگردد حقیقت واقع این است که شاه اصلی و علت العیل کامل فراهم شدن بول برای آن حمله جاولانه و غارت کرانه بواسطه اغراض کابینه پطرسبرگ بوده است \*